

مالی مغیر هستند . در ماده سی ایرادی نیست ؟

(گفتند خیر)

رئیس - در ماده سی و ششم همین طور . در ماده چهل و سه هم ایرادی نیست ؟

(اظهاری نشد)

آقای سید یعقوب - اجازه می فرمائید از آقای مغیر استواری بکنم ؟

رئیس بفرمائید

آقای سید یعقوب - غرض من این بود که حالا خوب بود معاون وزارت پست و تلگراف تشریف داشته باشند . خاطر آقایان هست که وقتی آقای شهاب الدوله تشریف داشتند در خصوص دفاتر پستی بنادر خلیج صحبتی شد . فرمودند که آن ترتیبات سابق بهم خواهد خورد و تمام آن دفاتر تسلیم نماینده ایران داده می شود آیا راجع باین مسئله آقای مغیر اطلاعی دارند ؟

رئیس - این مطلب راجع باین جا نیست . راجع بمبادله امانات پستی . ماده اول و سوم گویا ایرادی نداشته باشند

گویا ایرادی نداشته باشند؟ (اظهاری نشد)

رئیس - ماده پنجم و هفتم هم همینطور . ماده یازدهم و بیستم هم ایرادی ندارد

(ایرادی نشد)

رئیس - ماده اول نظامنامه اجرا چطور ؟

(مخالفتی نشد)

رئیس قرار داد پستی راجع بیاکات و جمیع های ارسال شده . در ماده اول هم . چهاردهم . هجدهم . ایرادی ندارید .

(گفتند خیر)

رئیس - شور اول تمام شد . رأی می گیریم باین که داخل در شور دوم بشویم یا خیر ؟ آقایانی که تصویب می کنند داخل در شور دوم شویم قیام بفرمایند .

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد راپورت کمیسیون بودجه راجع باعتبار هزار و پانصد تومان برای اثاثیه محاکم رشت مطرح است .

آقای اقبال السلطان (اجازه)

اقبال السلطان - اگر در این راپورت نوشته میشد که باید هزار و پانصد تومان اعتبار برای خرید اثاثیه محاکم رشت بوزارت عدلیه داد شاید بنده مخالفتی نمی کردم ولی اینکه

نوشته اند از بابت بودجه سنه ماضیه یعنی از حقوق اعضاء که در سنه ماضیه پرداخته نشده اینرا بنده صحیح نمی دانم برای اینکه از سنه ماضیه که پولی در صندوق موجود نیست بنابراین عقیده بنده این است که نوشته شود هزار و پانصد تومان برای خرید اثاثیه محاکم رشت بوزارت عدلیه اعتبار داده می شود .

سهام السلطان منشی کمیسیون

بودجه - چنانچه در راپرت ملاحظه می فرمائید در سنوات ماضیه اثاثیه محاکم رشت بواسطه هجوم متجاسرین از بین رفته . والیه هر اداره یا اداره عدلیه یا غیر عدلیه که تأسیس می شود اثاثیه لازم دارد و این وجهی که در راپرت نوشته شده است بطور اعتبار تصویب میشود که هر قدر قیمت اثاثیه آنجا شد از این اعتبار پرداخته شود و اینکه فرمودند چطور از بابت سنه ماضیه نوشته اند علتش این است که چون راپرت وزارت عدلیه بمجلس آمده و اگر بخواهند خرجی را از یک ماده بماده دیگر انتقال دهند باید با اجازه مجلس باشد .

لهذا در آن تاریخ پیشنهاد کرده اند که از بابت حقوق اعضاء که در سنه ماضیه پرداخته نشده بمصرف خرید اثاثیه برسانند و چون در سنه ماضیه پیشنهاد شده البته از بابت بودجه همان سنه می باشد و علت اینکه از بابت حقوق نوشته شده است این است که چون حقوق آنها داده نشده است البته اعتبار داشته اند و از این بابت محسوب می نمایند .

رئیس - آقای فتح الدوله

فتح الدوله - موافقم .

رئیس - آقای کازرانی

(اجازه)

آقای میرزا علی - تمام افراد مردم حق دارند از قانون و آزادی بهره مند شوند . بنده از تفاوتی که در اینجاست بینم تعجب می کنم . مثلاً بنده مکرر تقاضا کردم که در بعضی نقاط مهمه که از حیث موقعیت دارای اهمیت هستند عدلیه تأسیس شود .

و بعداً عرایض بنده اجابت نشد و توجهی نفرمودند تا ببینند عرایضی که عرض میکنم جائز است یا خیر و در عین حال می بینم هزار و پانصد تومان بایستی برای اثاثیه یک نقطه که دارای عدلیه است تصویب بکنم و نمی دانم چرا باید فلان نقطه محروم شود و چرا باید بر آنجا اضافه شود . بنده لازم میدانم یک قدری توجه بنمایند که با رعایت تناسب همه نقاط را از تأسیس عدلیه با قانون بهره مند کرده باشند از این نقطه نظر است که بنده با این راپرت مخالفم .

رئیس - آقای فتح الدوله

(اجازه)

فتح الدوله - آقای کازرانی می

فرمایند در بعضی جاها بایستی عدلیه تأسیس شود و چون تأسیس نشده است از اینجهت

بنده باینجهت که عدلیه دارد مخالفم . این يك دلیل مخالفتی نیست اما در مورد اثاثیه هم همانطور که آقای مغیر اظهار نمودند گیلان عدلیه داشته است و اثاثیه آن در موقع تهاجم متجاسرین از بین رفته است و وقتی بخواهیم مجدداً عدلیه از برای گیلان تأسیس کنیم البته اثاثیه لازم دارد و تهیه کردن اثاثیه هم بول لازم دارد . ما يك اعتباری بدولت می دهیم که يك اثاثیه تهیه بکند و بطور مقاطعه هم نیست برای عدلیه گیلان هم این اندازه اعتبار زیاد نیست . برای اینکه عدلیه خود رشت البته دارای محاکم حقوقی و استتقاق و مدعی العمومی است و اینهمه اطلاق اثاثیه لازم دارد و همینطور در بعضی بلوکات رشت شعبات مختصری تأسیس می شود از قبیل لاهیجان و انزلی و آنها هم اثاثیه لازم دارند علی ای حال ما این اعتبار را می دهیم و اگر زیاد باشد در صندوق دولت خواهد ماند ولی اینکه عدلیه دایر بشود و اثاثیه لازم نداشته باشد نمیشود مگر اینکه روی خاک بنشینند و اینکه آقای کازرانی می فرمایند عدلیه باشد و بی اثاثیه باشد بنده نمی دانم چطور میشود چنین اداره را دایر کرد .

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده

تمام اینها را تصدیق می کنم فقط چیزی که بنده شنیده ام این است که در زمان متجاسرین هم عدلیه گیلان دایر بوده و اثاثیه اش بهم نغورده است . اگر حقیقتاً اثاثیه اش باقی نباشد البته باید خریده شود ولی در صورتی که آن اثاثیه باقی باشد بنده تصویب این وجه را لازم نمی دانم .

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی

(از مجلس خارج بودند)

رئیس - آقای عماد السلطنه

عماد السلطنه - بنده موافقم .

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا

چطور ؟

محمد هاشم میرزا - بنده هم

موافقم .

رئیس - معلوم می شود مخالفتی نیست ؟

آقای سید یعقوب - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید .

آقای سید یعقوب - بنده خواستم از

آقای مغیر سؤال کنم که آیا اعضاء محاکم قضائی رشت که بواسطه ورود متجاسرین مجبور شده اند فرار از کارکنان کنند در اینصورت که سرکار نبوده اند حقوق گرفته اند یا خیر ؟ و در صورتی که اعضاء محاکم عدلیه گیلان بواسطه ورود متجاسرین فرار کرده اند چطور آقای حاج میرزا - عبد الوهاب می فرمایند که عدلیه در

آن موقع بر قرار بوده است ؟ بهر حال گمان این معلی را که وزارت عدلیه برای تهیه اثاثیه آنجا پیشنهاد کرده است محل حقوق همان اعضاء است و بایست که آن حقوق اعضاء آنجا تأدیه شود و تهیه اثاثیه برای آنجا يك خرجی است که باید از عایدات هذه السنه برای این خرج اعتبار داده شود

مغیر - اگر در لایحه درست دقت می فرمودید گمان می کنم جای اعتراض باقی نمی ماند .

وقتی که متجاسرین وارد رشت شدند اعضاء محاکم عدلیه آنجا مجبوراً فرار کردند و اصلاً محاکمه دایر نبود و در صورتی که محاکم عدلیه آنجا دایر نباشد بدیهی بودجه آنجا ضبط می شود و چون معمول است وقتی مأمورین بمأموریت نروند حقوق نمی گیرند باینجهت گمان می کنم حقوق اعضاء آنجا داده نشده است و راجع باثاثیه هم که آقای حاج میرزا عبدالوهاب فرمودند اثاثیه محاکم رشت باقی است . گمان نمی کنم با آن ترتیبی که در رشت پیش آمد اثاثیه برای محاکم آنجا باقی مانده باشد

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی

(اجازه)

حاج میرزا علی محمد - بنده

مرضی ندارم .

رئیس - آقای فهیم الملك

(اجازه)

فهیم الملك - اساساً طرز این

پیشنهاد وزارت عدلیه طوری است که هیچ مورد ندارد در آنجا نوشته شده است که مبلغ یک هزار و پانصد تومان از محل بودجه سند ماضیه یعنی از حقوق اعضاء آنجا بمصرف خرید اثاثیه برسد البته خاطر مبارک همه آقایان مستحضراست مطابق قانون اعتباراتی که برای بودجه يك سنه تصویب می شود هرگاه كل یا جزو آن تا آخر سنه بمصرف نرسد یعنی موقع خرج پیدا نکند در آخر سال از بودجه آن سند برگشت می کند و جزو سنه آتی محسوب می شود ولی تا سه چهارماه از سنه بعد حق تشخیص و صدور حواله را دارد و این اعتبار باین ترتیب صحیح نیست و تبدیل خرج بودجه از ماده بماده دیگر در این جا فعلاً مورد ندارد و باید از بودجه هذه السنه اعتبار داده شود ولی تهیه اثاثیه جهت محاکم عدلیه رشت مورد تردید نیست لیکن وزارت عدلیه باید آن اعتبار را از عایدات هذه السنه تقاضا کند نه از سنه گذشته .

بنابراین بنده پیشنهاد می کنم که این طور نوشته شود ۱۰۰۰ تومان برای خرید اثاثیه محاکم گیلان بوزارت عدلیه اعتبار داده می شود

مغیر - چنانچه عرض کردم این

لايه در سنه ماضيه پيشنهاد شده و چون در سنه ماضيه بوده باین جهت ایراد آقای فهمی - الملك وارد نیست . بلی اگر امسال پيشنهاد می شد لازم بود از بابت عایدات امسال پيشنهاد شود ولی چون در سنه ماضيه پيشنهاد شده و محل سال گذشته هم بکلی از بین نرفته است باین جهت از اعتبار سنه ماضيه پيشنهاد شد

رئیس - آقایان ملاکرات را در این موضوع کافی می دانند ؟

جمعی اظهار داشتند کافی است

رئیس - چند فقره اصلاح پيشنهاد شده قرائت می شود (اصلاح آقای اقبال السلطان)

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده پيشنهاد می کنم نوشته شود

ماده واحده - مجلس شورای ملی بوزارت عدليه اجازه می دهد که مبلغ يك هزار و پانصد تومان برای تهیه اثاثیه دوائر قضائی آنجا بمصرف برساند

(اقبال السلطان)

رئیس - در پيشنهاد حضرتعالی لفظ آنجا راجع بکجا است ؟

اقبال السلطان - راجع بمحاکم

رشت است .

مخبر - در این اصلاح آقای اقبال السلطان هیچ معنی نشده است که این وجه اعتبار از کجا و از چه محل پرداخته شود البته باید مجلس معلوم شود که از عایدات امسال یا سال گذشته یا از بودجه مملکتی یا محل دیگر تأدیه می شود

رئیس - آقای اقبال السلطان

(اجازه)

اقبال السلطان - این اعتبار هزار

و پانصد تومان از بودجه هذه السنه باید

پرداخته شود و اینکه در پيشنهاد وزارت

عدليه نوشته شده است از بودجه سنه ماضيه

بمقیده بنده صحیح نیست چون از سنه ماضيه

يك پولی در صندوق موجود نیست که آنرا

بردارند و اثاثیه بخرند و مقیده بنده این است

که این طور نوشته شود بوزارت عدليه اعتبار

داده می شود هزار و پانصد تومان برای

خرید اثاثیه محاکم گیلان بمصرف

برساند .

رئیس - آقای ارباب کیخسرو

(اجازه)

ارباب کیخسرو - باوجود این

که بنده عضو کمیسیون بودجه هستم هنوز

این قسمت را ملتفت نشده ام و از آقای مخبر

تقاضا می کنم که توضیح بفرمایند این

اعتباری که از بودجه سنه ماضيه باید برای

خرید اثاثیه محاکم گیلان تأدیه شود آیا

این وجه قبلاً بمصرف رسیده است یا اینکه

می خواهند در هذه السنه بمصرف برسانند

اگر اینطور باشد یعنی بخواهند در هذه

السنه بمصرف برانند باید از عایدات

هذه السنه باشد و بنده با آقای اقبال السلطان موافقم .

مخبر - در موقعی که این پيشنهاد بکمیسیون آمد و راپورت داده شد هنوز آن وجه بمصرف نرسیده بود ولی بعد از آن نمی دانم بمصرف رسیده است یا خیر ؟

رئیس - اصلاح آقای اقبال السلطان مجدداً قرائت می شود و رأی می گیریم

(مجدداً بمضمون سابق الذکر قرائت شد)

رئیس - آقایانی که این پيشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد .

اصلاح دیگری است از طرف آقای حاج شیخ اسدالله قرائت می شود .

(بترتیب ذیل قرائت شد)

بنده پيشنهاد می نمایم که مبلغ هزار و پانصد تومان بوزارت مالیه اعتبار داده شود که بپیشکار مالیه گیلان دستور العمل بدهند با اطلاع و تصویب رئیس عدليه بمصرف اثاثیه برسانند

(شیخ اسدالله معلانی)

رئیس - (خطاب با آقای حاج شیخ اسدالله)

توضیح بدهید .

حاج شیخ اسدالله - بنده عجلتاً نمی خواهم داخل شوم در مذاکراتی که جریان دارد مثلاً بعضی از آقایان مستمسک می شوند بقانون محاسبات .

همه آقایان می دانند که از سال گذشته وجهی در صندوق باقی نمانده است که حالا این اعتبار را از آن محل تصویب کنند .

بمقیده بنده محل این هزار و پانصد

تومان باید از عایدات امسال معین شود و

اگر بخواهیم از بودجه سال گذشته این

اعتبار را تصویب کنیم این هم يك كسری

بر سایر کسور می افزاید و باید از عایدات

هذه السنه این اعتبار داده شود .

و اینکه عرض کرده ام بوزارت مالیه

اعتبار داده شود که با اطلاع و تصویب

رئیس عدليه آنجا اثاثیه خریداری شود

برای این بود که قبل از ورود متجاسرین

بگیلان هم در رشت و هم در لاهیجان و

انزلی و سایر نقاط گیلان محاکم مرتب

و دارای يك اثاثیه منظمی بود و اثاثیه

آنجا هم طوری نبود که بروسبه حمل کنند

و از آنها يك استفاده کلی ببرند .

یک مقدار نیز و صندلی مستعمل بوده

که چندان قابل استفاده نبوده است .

این بود که بنده پيشنهاد کردم وزارت

مالیه هم در این موضوع نظارت داشته

باشد .

چون این اعتبار را بریاست عدليه

رشت می دهند .

در حالتی که شاید در آنجا هیچ محتاج نباشند اثاثیه اتباع نمایند یا این مقدار لازم نباشد باین ملاحظه بنده در پيشنهادی که تقدیم کردم قید کردم که امین مالیه آنجا هر چه را که رئیس عدليه دستور می دهد خریداری نماید .

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - لازم است خاطر محترم آقای حاج شیخ اسدالله را بان مسئله تذکر بدهم .

وقتی که يك رئیس عدليه اختیار داده

می شود که در يك مملکتی مثل گیلان تمام

امور حقوقی و جنائی مردم رسیدگی کند

و حکم کند و يك کرور فلان آقا بفلان

آقا بدهد آنوقت برای خرید هزار و پانصد

تومان اثاثیه باو اعتماد نداشته باشیم و يك

چنین پيشنهادهائی بنمائیم خیلی بد است .

زیر ممکن است بنده هم پيشنهاد کنم مثلاً

نجاری که اثاثیه را می سازد باید استاد

حسن یا استاد حسین گیلانی باشد اینکه

نمی شود .

تمام معاملات ولت باید بمنافعه یا

مزایده باشد البته در آنجا اعلان می شود

که چند صندلی و چند میز می خواهیم

هر کس حاضر باشد با قیمت کمتر آنها

را بسازد باو می دهند .

گویا فراموش شده است که چهل و

چهار تا چهل و پنج قانون هست که باید

از مجلس بگذرد و اگر ما بخواهیم این -

طور کار کنیم مثلاً تمام وقت يك جلسه را

صرف نجاری گیلان بکنیم پس چه وقت باید

این قوانین از مجلس بگذرد

(جمعی اظهار داشتند

مذاکرات کافی است)

رئیس - رأی می گیریم بکافی

بودن مذاکرات .

حاج شیخ اسدالله - بنده توضیح

دارم

رئیس - ماده شصت و سه بشما اجازه

نمی دهد

حاج شیخ اسدالله - می خواهم

توضیح عرض کنم چون عرایض بنده را

سوه تفسیر کرده اند و گفته شد رئیس عدليه

رشت نسبتی داده ام .

رئیس - بسیار خوب توضیح

بدهید .

حاج شیخ اسدالله - عرضی که بنده

کردم مقصودم اعتراض و عدم اعتماد بر رئیس

عدليه گیلان نبود و مقصود از این عرضم

این بود که باید در هر کاری نظارت و تفتیش

و بصرف اعتماد نمی شود هر کس هر کار

می خواهد بکند مثلاً بوزیر مالیه کمال

اعتماد را داریم ولی باید يك نظارت و تفتیشی

هم در کار باشد

محمد هاشم میرزا - بنده این طور نگفتم اگر اجازه بفرمائید بنده هم توضیح می دهم .

رئیس - رأی می گیریم باصلاح آقای حاج شیخ اسدالله آقایانی که این اصلاح را قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد .

پيشنهاد آقایان ملك الشعراء و معتمد

السنه قرائت می شود .

(آقای منتصر الملك بمضمون

ذیل قرائت نمودند)

بنده پيشنهاد می کنم نسبت بتصویب

هزار و پانصد تومان مضاج اثاثیه عدليه

گیلان

ماده واحده ذیل تصویب شود :

ماده واحده - بوزارت مالیه اعتبار

داده می شود که مبلغ هزار و پانصد تومان

علاوه بر اعتبار بودجه هذه السنه وزارت

عدليه بمصارف خرید اثاثیه عدليه گیلان

برسانند .

رئیس - آقای معتمد السلطنه

(اجازه)

معتمد السلطنه - در پيشنهاد کلمه

علاوه نوشته نشده باید خوانده شود علاوه

بر بودجه الی آخر .

رئیس - توضیح دیگری ندارید ؟

معتمد السلطنه - خیر توضیحی

ندارم .

رئیس - رأی می گیریم بپيشنهاد

آقایان ملك الشعراء و معتمد السلطنه .

آقایانی که این پيشنهاد را قابل توجه می -

دانند قیام فرمایند .

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد .

رأی می گیریم بپيشنهادی خود کمیسیون

آقایانی که تصویب می کنند ورقه سفید والا

ورقه کبود خواهند داد .

(اخذ و استخراج آراء

بعمل آمده نتیجه طریق

ذیل حاصل گردید)

عده حضار (۷۱) ورقه سفید علامت

قبول (۴۵) ورقه کبود علامت رد (۵)

امتناع (۱۹) ورقه لایقره (۲)

رئیس - با اکثریت چهل و پنج

رأی تصویب شد .

(اسامی قبول کنندگان)

آقایان سهام السلطان - ارباب -

کیخسرو

منتصر الملك - صدرائی

وکیل الملك - آقا سید فاضل

فتح الدوله - اقبال السلطان

ملك آرائی - وحید الملك

احتشام الدوله - امین الشریعه

سالار معظم - آقا شیخ ابراهیم -

زنجانی

آقا سید محمد تقی طباطبائی

عماد السلطنة خراسانی

آقا سید کاظم یزدی - وقار الملک

عماد السلطنة طباطبائی

شاهزاده محمدولی میرزا

بهاء الملک - آقا میرزا هاشم -

آشتیانی مساوات

محمد هاشم میرزا - ناظم العلماء

شیخ الاسلام ملایری - آقا سید یعقوب

آقا میرزا طاهر تنکابنی

صدر الاسلام - عدل السلطنة

حاج میرزا علی محمد - میرزا سید -

حسن کاشانی

سردار مخم - آصف الممالک - رفعت -

الدوله

آقا سید محمد تدین - رکن الملک -

رئیس التجار

سید الملک - شیخ العراقین زاده -

ناظم دفتر

لسان الملک - آقا سید حسن خان -

بلوچ

نصیر السلطنة - مستشار السلطنة -

(اسامی رد کنندگان)

آقایان بیان الملک

آقا میرزا علی کازرانی

شیخ الاسلام اصفهانی

حاج میرزا مرتضی

آقا سید محمد دستغیب -

رئیس - فقط چند دقیقه تنفس

است -

(در این موقع جلسه برای

تنفس تعطیل و پس از

نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - در چند روز قبل که یک اصلاحی

راجع بامتیاز نفت شمال بنظر جمعی از

آقایان رسیده بود و مذاکره و رای داده

شد فراموش شد که در ماده پنجم آن اجازه

که سابقاً بدولت داده شد بآن مسئله اشاره

شود

آقای ارباب کیخسرو متذکر شده اند

و یک پیشنهادی کرده اند که قرائت می -

شود -

چون نتیجه همان مذاکرات قبل است

لازم برای نخواهد بود همقدیر اگر ایرادی

نباشد اجازه خواهید داد که ماده پنجم هم

از روی ماده اول اصلاح شود -

(پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو

بمضمون ذیل قرائت شد)

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی

اینکه در جلسه لیل بیست و یکم جوزا

تصویب شده و اجازه امتیاز مواد نفتی شمال

مصوبه لیل اول فوس تغاقوی تیل ۱۳۰۰

بعد از اسم کمیانی استانداد داویل هلاوه

شود) یا کمیانیهای معتبر مستقل دیگر

امریکائی) و ماده پنجم اجازه مزبور بدون

اصلاح بر حال اولیه خود باقی مانده

است -

لهذا بنده پیشنهاد می نمایم مجلس

شورای ملی تصویب فرماید ماده پنجم مزبور

باین قسم اصلاح شود :

هر یک از کمیانی های امریکائی که

مورد قبول واقع شود نمی تواند بهیچ -

وجه این امتیاز را بهیچ دولت یا کمیانی

یا شخصی انتقال دهد و هم چنین شراکت

با سرمایه داران دیگر منوط بتصویب

مجلس شورای ملی ایران است عدم رعایت

این ماده باعث سقوط امتیاز از درجه اعتبار

خواهد بود -

رئیس - اینکه عرض کردم محتاج

برای نخواهد بود

باین جهت بود که خیال کردم همان

عبارت بایستی بماده پنجم اضافه شود

ولی چون عبارت تغییر می کند باید

رای گرفته شود -

ماده پنجم سابق قرائت می شود -

(بمضمون ذیل قرائت شد)

کمیانی استانداد داویل نمی تواند

بهیچ وجه این امتیاز را بهیچ دولت یا

کمیانی یا شخص انتقال دهد و هم چنین

شراکت با سرمایه داران دیگر منوط

به تصویب مجلس شورای ملی ایران

است -

عدم رعایت این ماده باعث سقوط

امتیاز از درجه اعتبار خواهد بود -

رئیس - عبارت (کمیانی استانداد

داویل) باین عبارت تبدیل می شود (هر -

یک از کمیانی های امریکائی مورد قبول

واقع بشود)

حالا اگر تصویب می فرمائید قیام

بفرمائید -

(آقایان نمایندگان

قریب با اتفاق قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد -

چون جمعی از آقایان قسم یاد

نکرده اند و امروز هم وقت داریم خوب

است قسم یاد نمایند -

(در این موقع آقایان مفصله الاسامی

ذیل برای اداری مراسم تحلیف حاضر و

قسم نامه مندرجه در قانون اساسی را

بمضمون ذیل قرائت نمودند)

من که در ذیل امضای نمایم خداوند

را بشهادت می طلبم و بقران مجید قسم

یاد می کنم مادام که حقوق مجلس و مجلسیان

مطابق قانون اساسی محفوظ و مجری است

تکالیفی را که بمن رجوع شده است مهما

امکن با کمال راستی و درستی و جدوجهد

انجام بدهم و نسبت باعلیه حضرت شاهنشاه

متبوع عادل مخم خود صدیق و راست گو

باشم و بااساس سلطنت و حقوق ملت خیانت

نمایم و هیچ منظوری نداشته باشم جز

فوائد و مصالح دولت و ملت ایران -

آقای محمد ولی میرزا - آقای

بهاء الملک

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده

حاضر م قسم بخورم ولی چون خیلی از مواد

قانون اساسی مجری نمی شود بنده نمی دانم

چه صورت دارد -

رئیس - قرائت فرمائید -

(ایشان نیز قرائت و

امضاء نمودند)

آقای سائر معظم - آقای آفاشیخ

محمد حسین سعادت - آقای شیخ محمد حسن

کروسی -

رئیس - قبل از ختم جلسه یکی دو

نفر از آقایان اظهاراتی داشتند

آقای اقبال السلطان

(اجازه)

اقبال السلطان - خاطر مبارک

آقایان مسبوق است که مدتی است مملکت

در حال بحران است و هیئت دولت معرفی

نشده اند -

بنده تصور می کردم پس از وصول

دستخط تلگرافی اعلیه حضرت اقدس شهریار

و ارجاع تشکیل کابینه بآقای قوام السلطنة

در ظرف امروز کابینه تشکیل خواهد شد -

و منتظر بودیم

امروز هیئت دولت بمجلس معرفی

شود متأسفانه امروز هم مثل سایر روز ها

گذشت چون بنده یک نفر شخص منفرد

هستم و از اوضاع هم اطلاع ندارم -

خواهشمندم یکی از آقایان هیئت متعده یا

اکثریت اطلاعاتی که در تعویق تشکیل

کابینه دارند بفرمایند تا بنده مسبوق

شوم -

رئیس - آقای ملک الشعراء

(اجازه نطق)

ملک الشعراء - در ضمن سؤالی که

آقای اقبال السلطان فرمودند و علت تأخیر

تشکیل کابینه را سؤال فرمودند تقاضا

نمودند یکی از اعضای هیئت متعده جواب

سؤال ایشان را بدهم -

بنده برای اطلاع ایشان و اطلاع

سایر آقایان و کسانی که در خارج

مجلس هستند ناچارم اطلاعات

خود را عرض کنم. هیئت متعده هیچوقت

نقیباً یا اثباتاً نخواست است در اطراف

عضویت کابینه دخالت نماید و نظر باهتمام

وافی که بآقای قوام السلطنة داشتند

خواستند ایشان با مراعات تجانس که شرط

اول هر کابینه است کابینه خودشان را از

اشخاص لایق و جوان و دانشمند و باتجربه

انتخاب کنند و مخصوصاً این عدم مداخله

و عدم تعیل یا بالاخره عدم تعرض را برای

این اتخاذ کردند که در سرعت تشکیل

کابینه یک کمکی کرده باشند زیر بدیهی

است وقتی از طرف یک جمعیتی نقیباً یا اثبات

یک مداخلاتی در تشکیل کابینه بشود حتماً

تشکیل آن کابینه بطول میانجامد ولی در

اینکه چرا امروز کابینه معرفی نشده است بنده هم مثل آقای اقبال السلطان متعجب هستیم و حق دارم از خودم و از مجلس سؤال کنم چرا امروز کابینه تشکیل نشد و حتی دونفر از آقایان نمایندگان را که عضو هیئت متعده بوده اند خود آقای قوام السلطنة بدون اصرار و تعیل هیئت متعده آنها را در نظر گرفته بودند و بما اطلاع دادند که من این دونفر را برای عضویت کابینه در نظر گرفته ام و بر حسب اطلاعاتی که بنده داشتم بنا بوده است امروز کابینه معرفی شده باشد و حالا حق دارم متعجبانه از محیط و اوضاع و آقایانی که خارج از هیئت متعده هستند علت تأخیر تشکیل کابینه را سؤال کنم شاید پیش آنها یک اطلاعاتی باشد که نزد بنده نیست - بعضی ها هم حدس می زنند که افراد مستقل و منفردی که در مجلس هستند می خواهند یک تحمیلانی بر رئیس دولت بکنند و بعضی ها هم تصور می کنند که بعضی از نمایندگان که خارج از هیئت متعده هستند و همچنین از دستجات فراقسبون ها یک تحمیلانی نقیباً یا اثباتاً می شود و این تحمیلات باعث شده است که هیئت دولت امروز معرفی نشده است - نظر باینکه بنده عضویت یک هیئتی هستم که آن هیئت امروز اکثریت مجلس را دارا است برای اینکه بدانند این بحران مربوط به هیئت متعده و اکثریت مجلس نیست تقاضا میکنم این قضیه تحقیق شود اگر افرادی هستند که می خواهند عقیده خودشان را در تشکیل کابینه دخالت دهند البته هیئت دولت بنا بوظیفه که دارد نباید چندان پابند فشار های افرادی بشود و باید با اکثریت مجلس تکیه کند و چنانچه وعده داده بودند هیئت دولت را زودتر معرفی نمایند - و اگر این تصورات و گفتگوها هم صحت ندارد باز مربوط بما نیست - بالاخره تأخیر معرفی کابینه بهیچوجه مربوط بنظر هیئت متعده نیست و حضرت والا مطلع باشند که هیئت متعده بهیچوجه نقیباً یا اثباتاً تعیلی هیئت دولت نکرده و رئیس دولت را آزاد گذاشته است که هیئت وزرای خود را مطابق میل خود و با مراعات تجانس تشکیل بدهد - و اگر از مجلس تعیلی شده راجع با فردی است که می خواهند در کابینه یک اعمال نفوذهایی بکنند و بنده هم با آن اعتماد نفوذ ها همراه نیستم -

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله

(اجازه نطق)

حاج شیخ اسدالله - بنده هم قسمت

اول فرمایشات آقای ملک الشعراء را که از

طرف هیئت متعده فرمودند تصدیق میکنم

ولی نسبت با فردی که میخواهند اعمال

نفوذ بکنند بنده خبری ندارم - ولی در

صورتی که یک فرد مستقلاً در مجلس باشد

البته حق دارد اظهار عقیده کند ولو بر

مخالفت زیرا عقیده آزاد است و حتی بعضی

ها هستند که نسبت به خود رئیس دولت اظهار عدم اعتماد کرده اند ولی رئیس دولت چون اکثریت نسبت به او اظهار اعتماد کرده نباید ترتیب اثر بمقایس اشخاص انفرادی که در اقلیت هستند بدهد. عقیده اکثریت همیشه نافذ است در صورتی که این مطلب صحت داشته باشد و کسی که دارای نفوذی در هیئت دولت برخلاف اکثریت باشد در مجلس نباشد.

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - آقای ملک الشعراء در ضمن بیاناتشان اظهار کردند ممکن است بعضی از افراد مستقل نمایندگان نظریاتی نسبت با افراد کابینه داشته باشند و با این وسیله تشکیل کابینه بتعویق افتاده باشد. بنده چون در این مفهوم کلی شریک هستم یعنی مستقل و در اقلیت هستم و ممکن است فرمایش ایشان شامل حال بنده هم باشد این است توضیحاً عرض می کنم - از موقعی که کابینه آقای قوام السلطنه سقوط پیدا کرده و در مرتبه باین مقام معین شده اند تا الاساعه بنده بهیچ وجه ایشان را ملاقات نکرده ام و بواسطه یا بلا واسطه بیغامی بایشان راجع باین قضایا نداده ام و چنانچه در جلسه خصوصی از نقطه نظر آزادی عقیده عرض کردم با ریاست وزارتی آقای قوام السلطنه مخالف هستم. الان هم بعقیده خودم باقی هستم و البته رای اکثریت قاطع است و باین ترتیب تصدیق خواهید فرمود که هیچ منطقی نخواهد داشت بنده دخالت بکنم که فلانکس وزیر بشود یا نشود. معض رفع سوء تفاهم که بنده جزو آن اشخاص نیستم لازم دانستم این چند کلمه را عرض کنم

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - همان قسم که آقای تدین فرمودند. بنده هم بنوبه خود عرض می کنم که آقای ملک الشعراء در ضمن نطق خودشان نسبت با فرد مستقل یک اظهاری فرمودند و بنده هم یکی از آن افراد مستقل هستم و بعد از آنکه اکثریت مجلس یعنی هیئت متحده اظهار اعتماد با آقای قوام السلطنه کردند بنده هم موافقت کردم. لهذا بعد از اینکه نسبت بایشان اظهار موافقت شده هیچ وقت ایشان را ملاقات نکرده ام و مکاتبه با ایشان ننموده ام. و در انتخاب اعضاء کابینه هم شریک و نظریه نداشته ام این نکته را هم لازم می دانم عرض کنم که در روزنامه نوشته بود افراد مستقل مجلس فراکسیونی نام فراکسیون مستقلین تشکیل داده اند و یک اسامی را هم نوشته بودند. در صورتی که هیچ چیزی نیست و اشتباه بوده است هر کدام منفرد هستند و داخل در هیچ جمعیتی نیستند

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه نطق)

سلیمان میرزا - چنانچه آقایانی

برای رفع سوء تفاهم چند کلمه اظهار فرمودند بنده هم نظر بند کر افت اقلیت برای اینکه تصور نشود بنده و رفقا هستیم می خواستیم توضیحی بدهم. در صورتی که یقین هم داریم گویندگان این لغت یا آقای ملک الشعراء آقای حاج شیخ اسدالله مقصودشان اقلیت اصطلاحی مجلس که بنده و رفقا هستیم نبوده. . . .

سلیمان میرزا - آقای ملک الشعراء همانطور که می فرمایند مقصودشان دستجات بوده است و آقای حاج شیخ اسدالله هم اگر ذکری از اقلیت کردند مقصودشان دسته اقلیت اصطلاحی یعنی بنده و رفقای بنده نبوده و مقصودشان این بود که یک نفر در مقابل اکثریت اقلیت است. بنده هم برای رفع سوء تفاهم عرض کردم همانطور که علی علیه السلام فرموده اند لا رأی الا و حمار ای و هم چنین مطابق قانون مشروطه اقلیت هیچوقت کاندید نخواهد داشت بنابراین ما کاندید نداریم و منتظر اعمال هستیم اگر اعمال خوب باشد البته موافقیم و اگر بد باشد البته مخالفیم اینست که برای اینکه سوء تفاهم نشود بنده توضیح دادم و از آنروز تا بحال نه از طرف بنده و نه رفقای بنده با آقای قوام السلطنه ملاقاتی شده است و نه از طرف ایشان صحبتی شده است و نه ما کاندیدائی داریم

رئیس - آقای نصرالدوله (اجازه)

نصرالدوله - بنده باین مذاکرات موافق نبودم و اصلاً اساس این اظهارات را در مجلس از نقطه نظر اینکه مخالف اصول مشروطیت و اصول حکومت شوروی است مناسب نمی دانم ولی چون مذاکراتی شد و افراد مستقل و منفرد عقاید خود را اظهار داشتند بنده هم که یک فرد مستقلی هستم و فکر خودم را آزاد می دانم. ناچارم عقیده خودم را در این قضیه عرض کنم بنده در مجلس خصوصی عرض کردم حالاً هم عرض میکنم من یکی از موافقین آقای قوام السلطنه هستم در همان موقعی که رای اعتماد خودم را نسبت بایشان دادم گفتم والا هم تکرار می کنم که اساس مسئولیت بنا بر اصول حکومت شوروی و قوانین مشروطیت بر عهده اکثریت است نه بر عهده افراد مستقل یا اقلیت متنفذ یا اقلیت ثابت و از همین نقطه نظر است که تمام بار گران مسئولیت حکومت و بیس آدم مردم این سرزمین بر عهده حکومتی است که تشکیل می شود از نقطه قوه مجریه و به عهده و لا و آقایانی است که در مجلس شورای ملی مسائل را تصویب می کنند به همین مناسبت بنده تصور می کنم در هیچیک از قسمت های راجعه به حکومت افراد حق هیچگونه مداخله ندارند و گمان نمی کنم کسی مخالف این عقیده باشد چون وقتی رای اعتماد بیک رئیس الوزراء داده می شود آن رئیس الوزراء

معتد به مجلس هر کس را اصلاح بداند یعنی هر کس را مناسب بداند بسمت عضویت کابینه خودش معین می کند و بعد او را بمجلس معرفی می نماید ولی البته چنانچه در همه جای دنیا هم معمول است رئیس الوزراء مملکت وقتی بخواند وزراء خودش را انتخاب کند نظری بموافقی و مخالفین اشخاصی که انتخاب می کند می نماید و بر روی آن زمینه رفقا و همکاران خودش را انتخاب می کند بنده از طرف خودم عرض می کنم من حق ندارم در کار ایشان مداخله کنم و مداخله هم نکرده ام و البته رئیس الوزراء باید یا اختیار صرف و آزادی هر چه تمامتر موافقها و مخالفها را سبک سنگین کند و در روی آن زمینه وزراء را انتخاب نماید و بنده و سایر آقایانی که بر رئیس الوزراء رای اعتماد داده اند نسبت بکابینه ایشان یعنی وزرائی که انتخاب می کند بهمان اعتماد باقی خواهیم بود

رئیس - گمان می کنم اگر سوء تفاهمی هم بوده است این مذاکرات برای رفع آن سوء تفاهم کافی باشد اگر هیئت متحده هم در این موضوع توضیحی می خواهند ممکن است یک نفر را بفرستند از آقای رئیس الوزراء توضیح بخواهند (صحیح است)

جلسه آینده روز شنبه ۴ ساعت بظهر ماند دستور اولاً لایحه مالیاتی آنقوزه و کنیرا و ثانیاً لایحه راجع بمنع بره کشی در ایشاب مخالفی نیست (گفته شد خیر) (مجلس یک ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

مؤتمن الملک

جلسه صد و پنجم صورت مشروح مجلس صبح یوم شنبه بیستم شوال هزار و سیصد و چهل مطابق بیست و هفتم جوزا هزار و سیصد و یک مجلس دو ساعت و نیم بظهر مانده بر ریاست آقای مدرس نایب رئیس تشکیل گردید.

صورت مجلس پنجشنبه ۲۵ جوزا را آقای امیر ناصر قرائت نمودند

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - آنجا که نوشته است نماینده ها معذرت شده اند صحیح نیست و باید معذرت نوشته شود.

نایب رئیس - آقای شیخ الاسلام اصفهانی (اجازه)

شیخ الاسلام - راجع بقرارداد پستی در جلسه قبل مختصر عرض کردم مورد توجه نشد ولی در صورت مجلس هم اشاره بآن نشده و حال آنکه در نظر بنده مهم بود بنده عرض کرده اعطای مشروطیت

ایران و قرارداد پستی رم در یک سال واقع شده در سنه ۱۹۰۶ میلادی واقع شده اعطای مشروطیت هم در اوایل اوت که هفتمین ماه فرنگی است بود ولی قرارداد پستی رم معلوم نیست در چه ماه بوده است و از آقای مغیر توضیح خواستم آیا تحقیق فرموده اند که قرارداد پستی در شش ماه اول آن سال بود یا در شش ماه ثانی چه اگر در شش ماه اول بوده است شاید ترتیبات دیگری داشته باشد ولی اگر در ۶ ماه دوم بوده است البته باید اول قرارداد رم در مجلس بیاید و از مجلس بگذرد بعد آن قرارداد فرعی بیاید و آقای مغیر جوابی که قانع کننده باشد فرمودند.

اولاً فرمودند تاریخ را نمی دانم در حالتی که تاریخ ندانستن ایشان دخلی به مطلب ندارد.

ثانیاً فرمودند قرارداد پستی رم برای ایران نافع بوده است البته تصدیق میفرمائید هر قراردادی که بنظر ایشان نافع بحال ایران می آید نباید اجرا شود مگر بعد از آمدن در مجلس و گذشتن اصل آن. مطلب سوم که فرمودند این بود که منافات ندارد که قرارداد فرعی قبل از قرارداد اصلی بگذرد و حال آنکه خیلی منافات دارد زیرا یک اطاق نساخته را کسی آئینه کاری نمیکند.

نایب رئیس - لابد بشماره باید اشاره کنند آقای تدین (اجازه)

تدین - در صورت مجلس نوشته شده بنده و آقای ارباب کیخسرو و شاهزاده نصرالدوله اظهار کرده ایم که نسبت به افراد کابینه وزراء نظری نداشته ایم البته همین طور است و بنده نظری نداشتم ولی یک نفری بین هریض بنده و فرمایش آقایان بود که بعقیده بنده خیلی مهم است و در صورت مجلس هم تصریح شده و آن این است که آقایان با رئیس دولت موافقت کردند و گفتند با رئیس دولت موافقت معذالک دخالت در تعیین وزراء نداریم و این دلیل آقایان بود ولی دلیل بنده این بود که عرض کردم چون بنده اصولاً با رئیس دولت مخالف بوده و هستم لذا منطقی نیست هیچ دخالتی در تعیین اعضاء دولت داشته باشیم و در صورت مجلس هر سه نظر را در یک عبارت گنجانیده اند خواهش دارم اصلاح شود.

نایب رئیس - موافقت آنها را هم ذکر نکرده اند آقای مستشار السلطنه (اجازه)

مستشار السلطنه - جواب آقای شیخ الاسلام را در شور دوم خواهم داد نایب رئیس - صورت مجلس باین اصلاحات تصویب شد آقای کازرونی در صورت مجلس حرفی دارد؟

کازرونی - شیر مرخصی ندارم
نایب رئیس - دستور دوقدره راپرت
کمسیون قوانین مالیه است یکی راجع به
مالیات کتیرا و آنقوزه و دیگری راجع به
منع بره کشی ولی قبلا سه فقره راپورت
کمسیون مرخصی راجع بر مرخصی آقایان
سردار جنگ و محقق العلماء و رکن الملك
رسیده است قرائت می شود رأی می گیریم
بعد وارد دستور می شویم يك فقره راجع به
تقاضای مرخصی یکماهه آقای سردار جنگ
است که برای مشرف شدن بآستان حضرت
ثامن الاثمه علیه السلام نموده اند کمسیون هم
تصویب کرده حالا اگر آقایان هم با آن
اجازه موافقت قیام فرمایند
(عده قلیلی قیام نمودند)
(بعضی گفتند رد شد)
نایب رئیس - رأی گرفته نشد آقای
سلیمان میرزا
(اجازه)

سلیمان میرزا - چنانچه در اجازه نامه
هائی که قبلا مطرح شده بود بنده متذکر
شدم بازهم یادآوری می کنم و از امروز
تا هروقتی که در مجلس باشم این مسئله
را تکرار میکنم .

مرخصی بزرگ از آقایان نمایندگان
داده می شود بایستی از تاریخ تصویب محسوب
شود و هر کس هم باشد نباید حقوق بگیرد
زیرا اگر از تاریخ تصویب محسوب نشود
بالاخره روزی خواهد رسید که ده بایست
نفر ازو کلا اجازه نامه در جیبشان است و
بکندمه بوقع اجرا می گذارند و مجلس
از اکثریت خواهد افتاد و این مسئله یکی
از بزرگترین معایب این اجازه نامه هائی
است که تاریخ اجرائش معلوم نیست ولی
اگر تاریخ اجرائش معلوم باشد کمسیون
عرایض و مرخصی وقتی بخواهد رأی بدهد
می گویند من دوسه نفر را فقط مرخصی داده ام
و چندان اهمیت ندارد و در نتیجه مجلس
از اکثریت نمی افتد اما امروز که نمیدانم
چند اجازه نامه داده شده و از چه تاریخ
صاحبان اجازه حرکت کرده و خواهند کرد
و اگر بکترتبه حرکت کنند اسباب زحمت
خواهد شد .

بنده عقیده خودم را عرض کردم دیگر
بسته بنظر کمسیون و مجلس است ولی
بنده مخالفم و در هر موقع هم این طور
راپرت ها از کمسیون بیاید مخالف خواهم
بود حالا بعقیده بنده اگر آقایان موافق
باشند خوب است مخیر کمسیون استرداد
تمام این راپرت ها را بکمسیون بخواهد و
این شرط را در آن قید کند اقلا اگر
پس از یک هفته از تاریخ تصویب آن شخص
نرفت آن مدت جزء ایام مرخصی محسوب
شده آن وقت بنده هم موافق شده و رأی
خواهم داد .

حاج میرزا رضی - مخیر کمسیون

حضور مبارک آقایان عرض میکنم مرخصی
که از اول مجلس تا بحال کمسیون داده
و اجازه را از روز حرکت قرار گذارد
چون کمسیون عده نمایندگان راهمیشه در
نظر دارد و اینقدر اجازه نمیدهد که مجلس
از اکثریت بیفتد .

اما راجع بگرفتن حقوق که فرمودند
این مسئله بر خلاف نظامنامه است زیرا
نظامنامه داخلی اجازه می دهد با داشتن
حقوق آقایان نمایندگان بر مرخصی بروند
و در ظرف دوماه یا سه ماه کاریکه دارند
صورت داده و هودت کنند و این مسئله در
تمام دوائر دولتی معمول است و یک مأموری
را که مرخصی می دهند با استفاده از حقوق
است مجلس هم مطابق نظامنامه داخلی
است که بعضی از آقایان اجازه می دهد
و این اجازه يك دوماه آنها هم با استفاده
از حقوق خواهد بود .

اما راجع باینکه این راپورت ها
بر گردد بکمسیون و اصلاح شود چون
آقایان نمایندگان آذر بایجان هم نیامده
اند اگر اکثریت مجلس اجازه بدهد این
راپرت ها بکمسیون استرداد شود

نایب رئیس - شما مخیر - باید
تقاضا کنید .

مخیر - بنده می پذیرم
نایب رئیس - وارد دستور میشویم
لابعه منع بره کشی و صدور پوست بره
مطرح است .

(بعضی از نمایندگان اظهار نمودند
اول راجع بکتیرا باید مذاکره شود

نایب رئیس - فرق نمیکند زیرا
بطوریکه عرض کردم دوقدره راپرت است
یکی راجع بمالیات کتیرا و آنقوزه و دیگری
راجع بمنع بره کشی و صدور پوست است
حالا که میفرمایند اول راجع بمالیات کتیرا
و آنقوزه مطرح می شود .

(ماده اول راپرت کمسیون قوانین مالیه
بمضمون ذیل قرائت شد)

مالیات کتیرا صدی بیست قیمت آن
است بشرخ محل استخراج که مأمورین
گمرکی در حین صدور از سرحد اخذ و
دریافت مینمایند .

نایب رئیس - مذاکره در کلیات است
آقای حاج میرزا رضی
(اجازه)

حاج میرزا رضی - بنده با گرفتن
گمرک از کتیرا مخالفم

(بعضی گفتند مالیات است نه گمرک)

حاج میرزا رضی - مالیات یا گمرک
فرق نمیکند غرض این است ما چیزی که
بعنوان گمرک یا مالیات گرفته می شود از
دو نقطه نظر بنده مخالفم یکی این است
که ما باید امتعه داخلی مملکت خودمان
را حتی الامکان برای اخراج بسایر ممالک
مرتب کنیم و برعکس جلوگیری از واردات

مملکت بکنیم یعنی بهر قسم که ممکن است
صادرات خود را خارج کرده و از واردات
جلو گیری کنیم و این مالیاتی که بر کتیرا
وضع می شود بکلی باین مختصر تجارتنی
که بخارجه میرود سکنه وارد می آورد و
با این ترتیب که در لایحه نوشته شده که
صدی بیست از کتیرا مالیات گرفته شود
بکلی این مختصر تجارت را از بین میرود
و مسئله کتیرا هم مثل یکی از محصولات
عادی نیست که با سهولت و آسانی بشود
اورا گرفت بلکه گرفتن کتیرا خیلی زحمت
دارد و در نقاط و کوههائی واقع شده است
که هیچ آب ندارد و اشخاصی که این
کتیرا را باید بگیرند اشخاص معدودی
هستند که در کوهها بزرگ شده و خیلی بی
بضاعت هستند و چندین روز باید باین کوهها
رفته در نهایت سختی و عسرت این کتیرا
را بگیرند .

آنوقت با این حال اگر دولت بپایند
و مالیاتی بر آن وضع کند البته تجاری هم
که این کتیرا را می خردند این مالیات را
از جیب خود نخواهد داد و از قیمت خود
کتیرا کم می کنند و این سبب میشود که
کسی دنبال گرفتن کتیرا نمی رود و يك
صادرات مهمی از میان میرود

بنا بر این در این باب آقایان پیشنهادی
کرده اند که بنده هم آنرا امضاء کرده ام
ولی با این حال آنچه را آقایان رأی بدهند
البته مطاع است .

نایب رئیس - آقای ارباب کیخسرو
مخالفید؟

ارباب کیخسرو - بلی مخالفم

نایب رئیس - آقای عماد السلطنه
مخالفید؟

عماد السلطنه طباطبائی - بلی

نایب رئیس - شاهزاده محمد هاشم
میرزا هم مخالفند؟

محمد هاشم میرزا - بلی بنده هم
مخالفم .

نایب رئیس - آقای سدید الملك
چطور؟

سدید الملك - بنده هم مخالفم

نایب رئیس - آقای حاج میرزا علی
محمد دولت آبادی

حاج میرزا علی محمد دولت
آبادی - بنده هم مخالفم

نایب رئیس - آقای اقبال السلطان
چطور؟

اقبال السلطان - بنده موافقم

نایب رئیس - بفرمایید

اقبال السلطان - آقای حاج میرزا
مرتضی راجع باخذ حقوق از کتیرا بعنوان
مالیات یا گمرک بطور تردید يك مذاکره ای
فرمودند و اظهار

مخالفت کردند اولاً باید فهمید مغایر این
مملکت را کسی باید بدهد مغایر مملکت

بعقیده ملت است و رعایا باید بدهند آقایان
اعضاء کمسیون بودجه با اینکه خیلی زحمت
کشیده اند که در دخل و خرج مملکت توازن
و تعادل حاصل شود موفق نشده اند و باز
مبلغی کسر دارند که نمیدانیم این کسر بودجه
از کجا باید پیدا کرد از کدام محل باید
جبران نمود ؟

با این حال آیا اصلاح می دانید مالیاتی
که تا کنون معمول بوده گرفته نشود ؟

مالیات کتیرا يك چیزی نیست که تازه

اورا وضع میکنم بلکه چیزی است که از

مدت مدیدی معمول و در همه ولایات می -

گرفته اند مطابق صورتیکه کمسیون از

وزارت مالیه خواسته اند و فرستاده اند نوشته اند
که در تمام ولایات از بابت کتیرا چقدر وصول

شده منتهی ترتیب وصول کتیرا در ولایات

در هر جائی بشکل مخصوصی بوده که در

نتیجه اسباب زحمت برای صاحبان کتیرا

می شد مثلا از یکجائی منی دوقران از يك

جای دیگر منی سی شاهی و از جای دیگر

منی يك قران گرفته میشد یا بعضی جا ها

از همین جنس گرفته می شود آن عایداتی

را هم که وصول می کردند بطور کافی جمع

آوری نمی شد و مطابق صورتیکه از وزارت

مالیه بکمسیون قوانین مالیه فرستاده شده

است همه معلوم میشود که در سه سال اخیر

سالی قریب به هفتصد هزار تومان بلکه

متجاوز کتیرا از مملکت خارج شده و

مأمورین مالیه در هر کجاصد سی را گرفته اند

که اگر درست حساب بشود باید از این

هفتصد هزار تومان از قرض صدسی دوپست و

ده هزار تومان عایدات دولت شده باشد

و حال آنکه چیزی که بحساب مالیه آمده

فقط هفت هزار تومان بوده است برای

اینکه از این تفریط کاری جلو گیری بعمل

آمده باشد عقیده من این شد این مالیاتی
را که از کتیرا میگیرند از قرض صد بیست
در سرحد بگیرند که هم منتظم تر و کم خرج تر
وصول شود و هر کمتر گرفته شود و هم از
آن بی ترتیبی جلو گیری شده باشد بعضی
از آقایان اظهار می کنند بر صادرات گمرک
نباید بست اولاً این بطور عموم نیست و
معمولا بر آن صادراتی نباید گمرک بست
که ملت بآن احتیاج داشته باشد (بعضی
گفتند مطلب برعکس است)

اقبال السلطان - بلی بیخشیده اشتباه
شد مال التجاره هائی را که ملت و مملکت
باو احتیاج دارند بر او مالیات سنگین وضع
می کنند که خارج نشود ولی بچیزهائی که
ملت احتیاج ندارد گمرک وضع نمی کنند
کتیرا امروز در مملکت ما چندان احتیاج
ندارد که ما محتاج باو باشیم پس باید
بخارجه برود و از حقوقش هم کسر بشود
حب کار این است که ما محتاج بعایدات
هستیم و باید کسر مغایر خود را از هر کجا
باشد پیدا و جبران کنیم اگر هم از این محل

نباشد شما بالاخره حتماً مجبور خواهید شد مالیات دیگری وضع کنید حالاً که اینطور است شما چرا سبب می شوید یک مالیاتی را که در مملکت معمول بوده و سابقه داشته رد شود و گرفته نشود آنوقت در عوض مجبور شوید مالیات جدی وضع کنید بنابراین بعقیده بنده خوب است آقایان این مالیات را تصویب فرمایند و گمان میکنم ضرری هم نخواهد داشت

نایب رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - بنده آن قسمی که در جلسه گذشته راجع به مالیات ها عرض کردم هر مالیاتی که پیشنهاد شده تا موضوع آن را درست نفهیم و مصرف آن را ندانیم و میزان جمع و خرجش را درست ملتفت نشویم بنده یکی از مخالفین آن خواهم بود حالا همین قدر عرض می کنم نسبت به مالیاتی که بر صادرات مملکت وضع می شود بنده مخالفم در وضع مالیات نسبت به صادرات ما چه می خواهیم بکنیم یعنی معتقد به تجارت نیستیم ؟

اگر خودمان ملتفت این کار هستیم نباید مبادرت بآن نماییم و اگر هم ملتفت نیستیم اقلاً از ممالک خارجه تحقیق کنیم و به بین آنها نسبت به صادرات خودشان چه می کنند اگر چه متأسفانه در موضوع مالیاتی یکی از آقایان نمایندگان (شاید مقتضی نباشد اسم ببرم) در اینجا گفت و این قسم تعبیر کرده که من اهمیت به تجارت نمی دهم و اهمیت به صنعت می دهم ولی بنده عرض می کنم اگر آقا بتجارت اهمیت ندهند بنده هم ندم دنیا داده است زیرا اقرار ما در نظر ما اهمیت دارد نه در نظر دنیا تمام جنگهای دنیا و جدالهای برای تجارت است در این صورت ما منظور در فضای این مجلس می توانیم بگوئیم بتجارت اهمیت نمی دهیم ؟ گمان می کنم این اظهارات در اینجا صلاح نباشد مملکت ما چه دارد يك قالی دارد که آن بلا را سرش میاوریم يك کتیرا دارد که می خواهیم این بلا را سرش در آوریم استعدا دارم اگر آقایان چیز دیگری سراغ دارند که از این مملکت صادر می شود ممکن است يك قدری هلاکت اقتصادی ما را تخفیف دهد خوب است نشان دهند آقایان می گویند اسمش را گمرك نگذارید فرق نمی کند اسمش را هر چه می خواهند بگذارید در هر حال این چیزی که گرفته می شود و شرحی که وزارت مالیه بمجلس نوشته و پیشنهاد داده است خوب است آقایان قدری توجه بفرمایند در قسمت ثانی آن پیشنهاد يك قسمت های خاصی را متذکر شده است ثانیا بهیچوجه در داخله مملکت مصرفی نداشته و نه فقط مقتضی نیست که در داخله هیچگونه تجملی بر این مواد وارد نباید بلکه باید بوسیله ممکن

اسباب تشویق کسانی را که استخراج و معامله داد و ستد این مواد را می نمایند فراهم نموده از این عبارات کاملاً معلوم است که افراد بظلم خود کرده اند و ما از همه صرف نظر می کنیم و از عمده که پای برهنه و لخت در آفتاب میان خارها می رود و کتیرا را تیغ میزند و از آن عایدی برای خود و خانواده خود تحصیل می کند می خواهیم مالیات بگیریم ؟ ذمی انصاف و عدالت بعد میباید جرح و تعدیل می کنند و می گویند از تاجر می گیریم باز معنی چه ؟ یعنی به تجارت اهمیت نمی دهم در قالی ها خود وزارت مالیه در پیشنهاد خود تصدیق می کند که نباید هیچ گونه تجملی بر آن وارد نمود با اینکه وزارت مالیه يك همچو تصدیق صریحی را می کند باز می خواهیم مالیات بر صادرات وضع کنیم چیز غریبی است اینجامذا کره می شود کتیرا در داخله مملکت مصرف ندارد بنده عرض می کنم مصرف برای کارخانجات ندارد ولیکن آنانکه مستحضرنه می دانند مصرف داخلی خیلی دارد در آن قسمتهای مملکت که صابون نیست کتیرا بجای صابون بکار می رود چنانکه قبل از آنکه کتیرا حمل بخارجه شود همین کار را می کردند و کتیرا مصرف داخلی داشت از کرمان که بنده اطلاع دارم از زمان حکومت فرمانفرما توسط سردار معتضد کتیرا شروع بعمل شدن بخارجه شد و وقتی دیدند این مال التجاره ممکن است در خارجه بفروش برسد شروع به توسعه آن کردند و نه آن درجه صورت است ؟ در صورتی است که حمل انواع آن آزاد باشد چون کاپر و در قسم است کتیرای نازک اعلا و کتیرای کلوخه که فایده بیرون آوردن آن فقط باندازه ایست که عمده زحمت کشیده و بهمان اندازه عایدی جزئی نصیب او شود همان طور که آقای حاج میرزا مرتضی اظهار کردند اگر گمرکی بر آن بسته شود تازه یکی از آن دوشق می شود با آنکه باید فشار بیاورند و از عمده ارزان بخرد یا اینکه بر قیمت بیفزایند و از رواج بازار برفتند و در هر صورت این ضرر متوجه می شود آقای اقبال السلطان می فرمایند پس دولت چه باید بکند ؟ اگر این مالیات را وضع نکند باید يك مالیات دیگر وضع کند البته اگر لازم باشد نه یکی نه دوتا نه سه تا هر قدر لازم باشد وضع مالیات می کنیم و متحمل خرج مملکت می شویم تا استقلال مملکت و همه وسائل تأمین و امنیت و آسایش ملت فراهم آمد و پس این مسئله غیر از آن است این جا خلط محبت می شود این صادرات مملکت است تجارت باید آزاد باشد متاع ما بخارجه برود و در مقابل برای ما طلا بیاورد اگر هم فرضاً طلا نمی آورد اقلاً از این اسباب های تجملی که بایران می آید و از این فلاحت اقتصادی ما قدری جلو گیری کند

خود آقای اقبال السلطان در این جا تشریح کردند و میزان گرفتن که در سال

هفتصد هزار تومان کتیرا بخارجه میروید این هفتصد هزار تومان پولی است که از دست رنج آن رعیت بدبخت که این کتیرا را گرفته حاصل شده است والا دولت چه کرده چه تشویق و ترویجی نموده این کتیرا را خود اهالی و رعایای بیچاره می گیرند اگر هم بخواهند مالیات بر اراضی وضع کند اگر کتیرا در اراضی شخصی رعیت واقع شده که اموالیات علیحده می دهد و دولت حق ندارد يك مالیاتی بر او تحمیل کند و اگر هم در کوهستان است که دولت آب و خاک ندارد و خرجی نکرده است که از او می خواهد حق بگیرد بنده عرض می کنم ما حتی الامکان باید وسایل تشویق عمومی را فراهم آوریم باید برعایا بگوئیم هر چه می خواهید استخراج کنید و هر متاعی را که می توانید از مملکت صادر کرده بخارجه بفرستد آنروز هم در موضوع قالی عرض کردم اگر باز اشتباه نشود حالا هم عرض بکنم اگر ما بتوانیم خاکستر مملکت خودمان را در جزو صادرات خود بخارجه حمل کرده و در عوض پول و طلا بیاوریم خیلی خوب است ما باید تا می توانیم امتعه داخلی خودمان را بخارجه برده و پول بیاوریم حالا دولت صادرات را ترویج نمی کند پیش کش او باشد دیگر از این رعایای بدبخت چه می خواهد ؟ بگذارد خودشان آزادانه استخراج کنند و بخارجه ببرند و در عوض طلا بیاورند و قدری ضرر اقتصادی ما را جبران کند بدبختانه عوض اینکه ما از این فلاکت اقتصادی و از این وضعیت خطرناک اقتصادی خود جلو گیری کنیم برخلاف خودمان را بطرف هلاکت سوق می دهیم حتی اگر ممکن شود دولت باید دستي کمک کند و جنس را ارزانتر بکند تا در تمام دنیا محل استفاده شود و وقتی شروع شد در نتیجه بر قیمت خود خواهد افزود این است که بنده با وضع مالیات بر صادرات مخالفم و از کمیسیون متشکرم که مسئله قلیا و آنقوزه را حذف کرده از این جهت داخل مذاکره در آن باب نمی شوم ولی چون مالیات کتیرا هم فرد صادرات است لذا بنده مخالفم و عقیده دارم نهایت مساعدت باید نسبت بتجار و رعایا بشود همان ماده دوم راپورت کمیسیون کافی است و خوب است ماده يك و سه را حذف کنند

نایب رئیس - آقای رئیس التجار موافقت ؟

رئیس التجار - خیر بنده مخالفم مخیر - با اینکه بنده شخصاً مخالف این مالیات هستم ولی توضیحات کمیسیون را عرض میکنم اولاً اینجا اظهار می شود این حقوق گمرکی است خیر این مالیات است و حقوق گمرکی نیست در سایر موارد هم ما نباید اشتباه کنیم زیرا این اشتباه

لفظی ممکن است در جاهای دیگر بما ضرر وارد آورد از چند سال قبل يك مالیاتی از کتیرا و آنقوزه می گرفتند و این مالیات صد سی از عمده جاتی که آنرا استخراج می کردند گرفته میشد البته یکی از شرایط وصول مالیات این است که حتی الامکان به مالیات بنده کمتر فشار وارد آید در نتیجه برای دولت بیشتر وصول شود و کمتر خرج پیدا کند برخلاف مالیات کتیرا بهمین جهاتی که آقای ارباب فرمودند یکمده عمده باید در کوهها و جاههای سخت بیرون و کتیرا بگیرند البته گرفتن مالیات از آنها و مواظبت در وصول این مالیات خرج زیاد خواهد داشت و البته عایدی هم که خواهد داشت خیلی کم خواهد بود مثل اینکه در سه سال قوی ثیل و تخا قوی ثیل بموجب صورتی که داریم در سالی ششصد الی هفتصد هزار تومان کتیرا صادر شده در صورتی که صادرات دولت فقط یکسال دوازده هزار تومان و سالهای دیگر هشت هزار تومان و چهار هزار تومان بوده است و این مبلغ خیر عمده برای دولت نبود و زار تمایله نظر باینکه با این زحمات يك فائده عمده برای دولت نداشت طرز وصول این مالیات را تغییر داده برای اینکه هم اجرای آن برای دولت سهل باشد و هم عایدی زیاده تر باشد و هم کمتر رعایا زحمت وارد آمده باشد در موضوع وصول مالیات هم کفرمودند يك تحمیلات و صدمه بر رعایا وارد می شود چیز دیگر اینطور نیست زیرا رعایا استخراج می کنند و کتیرا را می گیرند بتاجر می فروشند تاجر هم در موقع فروش يك چیزی علاوه کرده و می فروشد لیکن اگر بنا باشد دیگر چیزی از رعیت گرفته نشود و تاجر از سرحد بدون تأدیه مالیات خارج کند طبعاً برای تاجر از آن تر تمام میشود اگر بنا بحال یکن دو قران می خریدند ده شاهی از بابت مالیات می گرفتند ولی حالا حق خواهند داشت بر رعیت بگویند باید یکم سی شاهی بفروش و برای اینکه من مالیات می دهم مالیات هم سابقاً صد سی بوده است و حالا صد بیست قرار شده است ولی اگر حالا قرار شود این مالیات موقوف شود نه فقط از اراضی بابر بلکه از خالصه دولتی هم باید مالیات کتیرا موقوف شود و باید همه را موقوف کنند و از هیچکدام نگیرند اعم از اینکه خالصه باشد یا اراضی شخصی باشد این عقیده بنده است (جمعی گفتند صحیح است)

اگر بنا باشد آنچه که راجع بدولت است موقوف کنند و يك اشخاص دیگر بر رعیت تحمیل کنند بنده مخالفم خلاصه این است که یا آقایان باید همه را موقوف کنند و یا اینکه تصمیم فرمایند از همه جا گرفته شود

نایب رئیس - آقای عماد السلطنه

(اجازه)

عمادالسلطنه طباطبائی -

دلایل مخالفت بنده زیاد است ولی چون غالب آقایان باینده هم عقیده اند و خود آقای مخبر و بعضی اعضای کمیسیون همین عقیده بنده را دارند باین جهت بنده دلایل خود را حالا عرض می کنم یک پیشنهادی کرده ام استدعا می کنم مقرر فرمایند آن پیشنهاد فرائض شود که پیش از این وقت مجلس پیچیده تلف نشود آنوقت اگر پیشنهاد بنده رد شد سایر مخالفین عقاید خودشانرا اظهار میکنند

محمد هاشم میرزا - مذاکرات

کافی است

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب موافقت؟

آقا سید یعقوب - بلی بنده موافقت

نایب رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - بنده خاطر

آقایان نمایندگانرا توجه می دهم که این قدر بر ضد وضع مالیات نباشند مالیاتی که در مجلس عنوان می شود

(از طرف نمایندگان اینطور نیست)

آقا سید یعقوب - (خطاب به

نمایندگان هروقت می خواهید حرف بزنید اجازه بخواهید و حرف بزنید در موقعی که من مشغول حرف زدن هستم حق ندارید بن حمله کنید و بنده هم از این چیزها در نمی روم و ادله خود را هم با تمام قوت قلب عرض خواهم کرد آقایان دولت مخارج دارد قشون دارد ادارات دارد قشون ما در تمام فرونها مشغول جنگ است ما انتظامات و امنیت می خواهیم وقتی که صحبت معارف در مجلس بمیان می آید تمام ارواح متوجه می شود و اظهار دلالتگی می نماید که چرا معارف را معارف امریکا بهتر نشود صحبت عدلیه می شود می گویند چرا افضای حقوق می گیرند باید معاکمات مجانی باشد گفتگوی راه که بمیان می آید می گویند دولت راه را درست کند ولی پول از مردم نگیرد ؟ من نمی دانم کدامیک از ماها خیال کرده ایم که یک گنجی گیر دولت مشروطه آمده است که این مخارج را دولت از آن گنج بنماید و مالیات نگیرد هروقت صحبت مالیات می شود آقایان اظهار می کنند ما مخالفیم و می گویند ای وای ضعیف و فقرا ورنجبر بنده عرض می کنم اگر ما این مالیات را وضع نکنیم برای مرتب کردن و بکار انداختن ادارات خودمان مجبوریم دست گدائی پیش اجانب برده و رقیب ابدی حاصل کنیم خوب است به کمیسیون بودجه تشریف برده و کسر بودجه را ملاحظه فرمایند و فکر کنید این کسر بودجه را از چه راه باید جبران و تصفیه کرد اما آمدیم بر سر جواب فرمایشات و اظهارات فلسفی که آقای ارباب

کیخسرو فرمودند همانطور که آقای مخبر بیان فرمودند این وضع مالیات نیست و دولت پیشنهاد وضع مالیات جدیدی نکرده است که مخالف عقیده ما باشد بلکه این مالیاتی بوده است که دولت سابقاً هم می گرفته منتهی بطوری بود که حیف و میل میشد و بجیب دولت و مصرف عمومی نمیرسید .

این است که حالا دولت لایحه پیشنهاد کرده مبنی بر اینکه مالیاتی که من غیر حق خرج می شد باید ترتیبی داده شود که در نتیجه مطابق صرفه و صلاح دولت و عموم بوده و بمصرف عمومی برسد نه اینکه به جیب امنای مالیه رفته و از بین برود و این مالیاتی که سابقاً صدی چهار از رعایای بدبخت فقیر گرفته می شد و هیچ معلوم نبود بچه مصرف میرسد و بجیب کی میرود حالا مجلس آمده و می خواهد اولاً آن مالیات را کسر کرده و بمالیه قرار صحتی در وضع نقد و خرج و مصرف او بدهد پس این وضع مالیات محسوب نمی شود بلکه مجلس می خواهد قرار صحتی در وضع و مصرف آن بدهد . اما این که آقای ارباب فرمودند چرا بر این تجملات که از خارج وارد می شود مالیات سنگین وضع نمی کنند این تجملات که بخاک ایران وارد می شود دو طرف دارد یکی ما و دیگری طرف ما است بنده خیلی میل دارم که مالیات بر چیزهای تجملی وضع کند ولی از ما قبول نمی کنند

از طرف نمایندگان همه - بطور قبول نمی کنند

آقا سید یعقوب - اگر قرار داد گمرکی را ملاحظه کنید خواهید دید که گمرک دو طرف دارد .

آخر قضایا و وضعیت مملکت را ملاحظه فرمائید و ببینید بطور باید اداره شود تهور سیاسی داشته باشد به تعریف و تحسین مردم نظری نداشته باشد و اهلنا نکنند که فلان هوچی در باب شما چه گفته است اما فرمودید دولت درباره کتیرا چه کرده ؟

مگر دولت باید برای کتیرا قنات احداث کند ؟

آقا ملت از دولت امنیت مالی و جانی می خواهد و دولت مالیات باید بگیرد که ملت را جانیامالا حفظ کند و باید حافظ عموم باشد وقتی که دولت امنیت عمومی را تأمین کرد آنوقت ملت هم باید عقب تجارت و فلاح و صنعت خودش برود و کارها را دولت نیابت معین کند دولت نباید برای هر شغل بخصوص معلم ملت شود زیرا تصدیق تمام دانایان و سیاسیون دولت باید امنیت مالی و جانی را تأمین کند و ملت هم باید مالیات بدهد تا جان و مال او محفوظ و مصون باشد .

ما هم باید این نقطه نظر را داشته باشیم و غیر از این چیز دیگری از دولت نخواهیم کار ما بجائی رسیده است که حتی برای

خواهید هم می گوئیم دولت باید معلوم بیاورد پس باین ترتیب مقتضی است این مالیات کتیرا را دولت بگیرد اما مسئله دیگر که آقای مخبر بیان کردند و این جا صحبت شد که فلان کوه کن و بیرهن با هزاران زحمت در کوه ها می روند و کتیرا را تیغ می زنند پس نباید بر آن ها تحمیلی بشود این مالیات را که دولت می گیرد از ارباب می گیرد برای اینکه ارباب می گوید چون فلان کوه از من است و حق انحصار آن با من است یا با من تو مان بمن بده و برو تیغ زن یا نمی گذارم کار بکنی پس شما اگر این مالیات را موقوف کنید با ارباب همراهی کرده اید نه با رعیت حالا که این مطالب اینجا اظهار شد ناچارم عرض کنم که برای گذراندن مخارج مملکتی بنده بهتر می دانم مالیات وضع کنیم تا اینکه فرض بکنیم خوب وقتی بنا باشد از راه حق العیور بگیریم از کتیرا مالیات بگیریم پس مخارج مملکت را چه کنیم ؟ قشون، عدلیه، نظمی، همه پول می خواهند در این صورت چه باید کرد

نایب رئیس - آقای محمد هاشم

میرزا .

(اجازه)

محمد هاشم میرزا - اولاً خاطر

آقایانرا متذکر می کنم یکی از حقوق حقو ثابت مجلس شورای ملی مسئله مالیات است و از وظائف مختصر مجلس است و باید در هر نوع جمع و خرج نظارت داشته باشد و یک چیزی است که اگر چند جلسه هم فرضاً در آن صحبت کنیم و معطل شویم ضرر نکرده ایم بلکه بهترین وظائف خودتان عمل کرده ایم و خیلی از چیزهای دیگر که چند مجلسی وقت صرف آن می کنیم حشرو زائد است حالا سه مطلب است که باید عرض کنم اولاً خاطر آقایان مسبوق است مجلس اول برای تعدیل جمع و خرج معتقد باین شد که باید تقلیل مخارج کنیم و در نتیجه دو سه کرور از مخارج را کسر کرد در صورتی که هیچ مالیاتی را به خاطر نداریم وضع کرده باشد در مجلس دوم آمدیم و بنابر فلسفه آقای آقا سید یعقوب بیان کردند چون مالیات کم داشتیم مالیات نمک را وضع کردیم و بعد از اینکه مدت ها گذشت و اسباب زحمت مردم شد و سالی مبالغی از مردم گرفته شد و بالاخره بین رفت آنرا لغو کردیم مالیات تریاک را گذاشتند در صورتی که چیزی عاید دولت شد و در این ۱۲ سال هم از عده تریاک کش ها کسر نشد بلکه بر عده آنها هم افزود شده است همین طور مالیات نوافل که در دوره دوم برای چراغ شهر و مخارج بلدی وضع شد آن مالیات از مردم گرفته شد در صورتی که تا کنون چراغ هم آنطور یکبار روشن نشده ما باید روی هر فته تجاریات گذشته را آئینه عبرت دانسته و بدانیم که بدانیم

تقلیل مخارج کرد نه این که همه روزه وضع مالیات بکنیم همین طور مالیات مستقات و دخانیات را گذاردیم در صورتی که آن نتایجی را که باید ببریم نبردیم اول باید فهمید که جمع و خرج مملکت شد و تا چه حد می توانیم مخارج غیر ضروری را کسر کنیم بعد هروقت بجائی رسیدیم که تعدیل نشد و مجبور بوضع مالیات شویم بنده هم موافقت خواهم کرد اما مسئله موقوف باین است که امر دائر شود مبنی بر اینکه مالیات وضع کنیم یا فرض کنیم آن وقت البته باید مالیات وضع کنیم آنهم بطور تحقیق معین شود نه اینکه منتهی تصور باشد زیرا گمان نمی کنم همین قدر که بعضی از آقایان تصور نکنند مؤثر باشد اما اینکه آقای آقا سید یعقوب می فرمایند ما برخلاف مالیات گذار هستیم خیر اینطور نیست این مسئله از اول دنیا یک ترتیبی داشته یکمده زحمت می کشیده اند یکمده دیگر مالیات می داده اند یکمده کم و یکمده زیاد مثل زکوة نیست يك حد نصابی داشته باشد اولاً باید فکر کرد کسی که کتیرا را استخراج می کند چقدر نفع می برد یا چقدر از مخارجش زیاد می آید که از مازاد او برای مخارج مملکت بدهد

متصدیان کتیرا زارع و فلاح نیستند و کسانی که اندک کاری در این مملکت داشته باشند ابتدا در پی گرفتن کتیرا نمی روند زیرا برای آنها نفعی ندارد بهترین دلیلش این است که از خاک طبس صد فرسخ راه می آیند و در نقاط شمالی خراسان رفته با هزاران زحمت وقت خود را در کوه ها بهدر می کنند و یا تحمل هزاران آفات و زحماتی که دارد بالاخره دوسر کتیرا بشهر می آورند و تازه یکم شش قران بفروش می رسانند و ده شاهی عاید اومی شود و فقط مدت دو ماه از کتیرا می تواند استفاده کند و آن وقت يك سال باید خرج کند اینها را باید با اصطلاح اهالی خراسان آفتاب نشین می گویند یعنی آنهایی که نه ملک دارند نه کابندی نه مزرعه نه صنعت فقط میروند در کوه ها و مدت دو ماه زحمت می کنند و شاید ۱ یا ۲ تومان تحصیل می کنند و باین قلیل مبلغ در ظرف سال باید خود و عائله ایشان گذران نمایند پس در واقع اینها جزه عجزه مملکت هستند و اگر بگوئیم مالیات بدهند مثل این است که بگوئیم دولت باید از ایتم و فقرا که در دارالساکنین هستند و از اطفال فقیر مالیات بگیرد خیر آقایان اینطور نیست ما باید ببینیم اگر چیزی از قوت لایموتشان باقی بماند و زیاده تر است همین طور بسنجیم و بالا برویم تا به تجمل برسیم آن وقت مالیات وضع کنیم اما آنکه آقای آقا سید یعقوب می فرمایند يك مالیاتی وضع شده بود و حالا دولت می خواهد کم کند و صدی را صدیست بکند اینطور نیست اگر مقصود زمان مشروطیت است که در زمان مشروطیت هنوز مجلس این مالیات

را تصویب نکرد و اگر مقصود دوره استبداد است در زمان استبداد هم از کتیرا مالیات گرفته نشده خوب است اشخاصی که گرفته اند یاد دارند بپایند بگویند بایک سندی باشد که مفهوم و معلوم شود در زمان استبداد هم از کتیرا مالیات می گرفتند در صورتی که بنده حتم دارم اینطور نیست و اما اینکه می فرمایند صدسی بوده و حالا دولت کم کرده و صد بیست کم نموده خیلی غریب است این مثل این است که يك کسی را سابقاً صد چوب بدون دلیل می زدند و حالا به مجلس پیشنهاد کنند هفتاد چوب بزنند خیر این چوب زدن اصلاً مخالف با مرام و عقیده ما هست بالاخره این مالیات يك ظلم فاحشی است و بر فرض اینکه بودجه جمع و خرج که امید داریم انشاء الله تعدیل شود اگر هم تعدیل نشد و بنام مالیات وضع کنیم اینگونه مالیاتها در درجه هفدهم و هیجدهم است و خیلی چیزهای دیگر هست که مقدم بر این است و چون مخصوصاً می دانم احساسات آقایان نمایندگان محترم قبل از آنکه از جمع و خرج مملکت اطلاع حاصل کنند بر این است که این مالیات را رد کنند این است که داخل در جزئیات نمی شوم و اگر باز محتاج شد بقیه عرایض خود را عرض می کنم

نایب رئیس - مذاکرات کافی است - بعضی گفتند کافی است برخی گفتند کافی نیست .

نایب رئیس - رأی می گیریم آقایانی که مذاکرات را در کلیات کافی می دانند قیام فرمایند .

هده قیام نمودند

نایب رئیس - کافی نیست آقایای فتح الدوله موافقت .

فتح الدوله - خیر مخالفم .

نایب رئیس - آقای زنجانی موافقت یا مخالف ؟

آقا شیخ ابراهیم - بنده يك توضیحاتی می خواهم اگر جواب آن توضیحات داده شد موافقم .

نایب رئیس - بفرمایند .

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - عرض می کنم اولاً خواهش می کنم در مذاکرات مطالب خارج را وارد ننمایند و موافق و مخالف در روی مطلب اقامه دلیل بکنند آقایان می - فرمایند خوب نیست مالیات بر کتیرا وضع کنیم .

اساساً مالیات عبارت از این است که اهالی مملکت از عایدات خودشان هر کس از هر چیزی که عایدی تحصیل می کند يك قسمتی را باید بدولت بدهد که برای مصارف مملکتی خرج شود اساس مطلب این است آن روز هم عرض کردم بعد از این هم اگر لازم شد باز توضیح می دهم که يك قسمت از دست رنج خود را بدولت می دهم یا

زراعت می کنم یا کار دیگر می کنم و مالیات می دهم از برای امنیت خودم است يکی فایده از جنگل می برد يکی از گوسفند قابله می برد همه باید از عایدی خود مالیات بدهند و اما راجع بکتیرا خود بنده دیده ام کتیرا از کوهها استخراج می شود آن کوهها کون دارد و در کوههای بزرگ زیاد تر است کوهها هم دو قسم است يکی کوههای دولتی است و يکی کوههای است که در ملک بعضی اشخاص واقع شود و بعضی هم بی صاحب است و آن چه بنده دیده ام آنکسی که می خواهد کتیرا استخراج کند و فایده به برد میابد از آن دهات اطراف صد نفر یا دویست نفر سیصد نفر عمله می گیرد و بآنها مزد می دهد و می برد بکوه و آنجا بیخ گون را سوراخ می کنند و سرش را آتش می زنند و می سوزانند و کتیرا از آن سوراخ بیرون میاید و آن کسی که او را استخراج می کند کتیرا را جمع می کند و بصاحبش می دهد و آن شخص بتاجر می فروشد یا بمصرف دیگر می رساند وقتی در این ازمنه خیره از خارجه هم میبایند و عمله می گیرند و کتیرا جمع ...

این کوه علف دارد که حیوانات می چرند درخت دارد که زغال می گیرند گون دارد که کتیرا می گیرند و هر کس يك نحوی از این کوه استفاده می کند و دولت از کسانی که حیوانات می چرانند حق التعلیف می گیرد و از کسانی که از درخت ها استفاده می کنند و زغال می گیرند يك حق می گیرد پس هر شخصی که مالك است و استفاده می کند باید از عایدات خودش بدولت يك حقوق بدهد حالا کسی که کتیرا می گیرد و می خواهد بخارجه یا بتاجر بفروشد آیا از سایر مردم مستثنی است ؟

نمی دانم بلی اگر از عایدات خودش مالیات می دهد و در موقع خروج از سرحد هم بخواهند گمرک از او بگیرند بنده هیچ جا نمی دانم و اصلاً معتقدم چیزی که از مملکت خارج می شود نباید باو گمرک وضع شود ولی مالیات غیر از آن است زیرا هر کس يك کسی دارد و يك چیزی به دولت می دهد يکی معدن استخراج می کند يکی از جنگل استفاده می کند يکی کار دیگر می کند همه بدولت يك حق می دهند حالا يك کار یا زیاد کاری بآن ندارم این کتیرا هم همانطور است و فرقی ندارد (بعضی از نمایندگان چراغی فرق دارد)

آقا سید ابراهیم - بنده موافق هستم که از کتیرا هم مثل سایر استفاده هایی که می شود مالیات گرفته شود فرق نمی کند چون این هم يك نوع استفاده است ولی اگر این عایدی بعنوان گمرک

باشد کاملاً مخالفم ولی گمان نمی کنم گمرک باشد بعلاوه در سابق هم یعنی در زمان استبداد مأمورین دولت چیزی می گرفتند منتهی غیر مرتب تر بود و باز تکرار می کنم اگر عنوان مالیات است موافقم و اگر عنوان گمرک است مخالفم و نباید از هیچ يك از صادرات مملکت گمرک اخذ شود حالا اگر بعضی می فرمایند این کتیرا گرفتن با سایر استفاده ها فوق دارد نباید هیچ اخذ شود آن هم يك مطلبی است و اما این که در راپرت ذکر شده که قلیا و نفوزه چون کم است او را حذف کرده اند قائل شده اند که از آن ها مالیات گرفته نشود اشتباه است و اگر بآنجا برسیم عرض خواهم کرد که کم بودن دلیل نیست که مالیات ندهند شاهي باشد شاهي باشد چه فرق می کند مالیات است باید بدهند منتهی بمقدار عایدی زیاد و کم می شود چه کتیرا باشد چه نفوزه چه تریاک هیچ فرق ندارد و این که بعضی از آقایان می فرمایند کتیرا یا سایر چیز ها فرق دارد بنده خیلی تعجب می کنم خوب است آقایان فوق او را بگویند تا بنده هم بدانم .

نایب رئیس آقای رئیس التجار (اجازه)

رئیس التجار اگر چه آقایان مخالفین دلائلی که لازم بود عرض کردند بنده هم هر چه عرض کنم باز مکررات است ولی بنده از آخر شروع می کنم آقای زنجانی فرمودند باید مالیات بر عایدات بسته شود همه باید مالیات بدهند تصور می کنم تا بکدر چه این طور نیست يك رعیتی که روزی سه قران عایدی دارد و با کمال سختی و شدت با آن زندگانی می کند بامن که روزی صد تومان عایدی دارم و سی تومان بیشتر خرج نمی کنم بهر دومی شود بيك نسبت مالیات بست (بعضی گفتند صحیح است) و این که می فرمایند در اراضی خالصه و املاك شخصی کتیرا می گیرند در خراسان آنچه بنده دیده ام از اراضی ملكی نیست شاهزاده محمد هاشم میرزا هم حاضرند و می دانند يك عمده هستند که از ولایات دور دست می آیند چون گذران ندارند و فوت لایموتشان منحصر است باینکه بروند و کوهها باز حمت زیاد کتیرا تحصیل کنند و این کار منحصر بآنهاست بلی بعضی کوه ها بر حسب معمول مرتع میشود بنده خودم هم خیلی دارم ولی هیچوقت معترض اشخاصی که آمده اند از آنجا کتیرا گرفته اند نشده و حقوقش هم نگرفته ام و بنده منكرم که از این حاصل مالیات گرفته شود یا مالکین از رعایا حق بگیرند

این که زراعت آبی نیست کوه است و حاصلی برای مالك ندارد که قائل بشویم حق بگیرند و اما این که گفته می شود

مالیات از تاجر گرفته می شود اشتباه است تاجر بهیچوقت مالیات نمی دهد بنده يك مالی را خیر هم میبرم می فروشم اگر از رعیت بیچاره مالیات گرفته باشند مالیات تحمیل بر او شده و اگر هم از تاجر مطالبه کنند تاجر متاع خود را گرانتر می فروشد و برای او فرقی نمی کند فرقی که دارد اگر بگویند تضیق به مال التجاره مملکت میشود و هر چه از این تضیقات بشود از صادرات مملکت کم می شود مال التجاره کتیرا خوب مال التجاره ایست اما آنطور که باید در ایران آزاد استفاده کلی ببرند نمی برند و بعقیده بنده عملیات مأمورین دولت آنها را از زندگی بیزار کرده است همان رعیتی که با روزی یا نوزده شاهی و يك قران با هائله خود گذران می کند اگر مالیات برای او وضع کنیم همین که زیاد باو تضیق شد از کار دست می کشد و میرود در ولایات خارجه مشغول عملی می شود و اگر يك قدری بیشتر برای این رعیت اسباب راحت و آسایش فراهم کنیم که صدمه باو وارد نیاید تصور می کنم پنج شش برابر امروزه کتیرا گرفته شود

در خراسان تصور می کنم پنج يك آنچه باید کتیرا گرفته شود نمی شود برای چه ؟ برای همین تضیقاتی است که بآنها میشود اگر شما هر سال حساب کنید می بینید سالی ده هزار رعیت ایران بواسطه سختی معیشت از سرحد خارج شده که در راه آهن ها یا بنادر خارجه مشغول عملی و حملی می شوند چون در آنجا کسی نیست بآنها مالیات تحمیل بکنند يك کوهی است در خراسان که حضرت والا هم می دانند اسم او شاه جهانی است که خیلی سرد است و در مرقع تابستان هم از شدت سرما زیست کردن در آنجا برای مامکن نیست آن رعیت بیچاره در موقع تابستان باز حمت هر چه تمامتر که انسان از مشاهده او رفت می کند باید برای روزی یا نوزده شاهی این همه زحمت و مرارت بکشد آیا این که گفته شد در بعضی جاها يك نفر میرود و عملیات راجع می کند و میاورد کتیرا می گیرد و جهتش این است که رعیت بدبخت پول ندارد اول مالیات بدهد باید روزی سی شاهی پول بگیرد خرج کند آنوقت آنها يك نفر که پیدا میشود که نسبتاً قدری داراست و میتواند يك دفعه ده تومان مالیات بدهد چند نفر از آنها را جمع میکنند و مزد میدهد کتیرا می گیرند باینرا بنده تصور می کنم نه تنها نباید بکتیرا مالیات بست و باید موقوف کرد بلکه باید در اراضی هم که آبگیر نیست و زراعت خیز نیست چیزی از بابت کتیرا اخذ نشود راست است که آنجا مرتع است و گوسفند هم میرود

در آنجا می چرد اما بعقیده بنده چیزی که از بابت کتیرا گرفته می شود حق نا

مشروعی است و نباید از این رعیت بدبخت حقوق مالکیت دریافت شود

نایب رئیس آقای آقا سید محمد تقی طباطبائی موافقت؟

آقا سید محمد تقی - خبر مخالفم
نایب رئیس - آقای عماد السلطنه خراسانی مخالفید؟

عماد السلطنه - خیر موافقم

نایب رئیس - بفرمائید

عماد السلطنه - بنده تصور میکنم در اصل موضوع جزئی اشتباهی شده است این که آقایان میفرمایند بر صادرات مملکت نباید مالیات تحمیل شود بنده هم شاید موافق باشم ولی این مسئله جزو مالیات مملکتی است و باید مالیات گرفته شود و اگر بخواهیم باین اصل قائل شویم که چون جزء صادرات مملکتی است و نباید چیزی اخذ شود باید مالیات ارضی را هم بگیریم چون جو و گندم هم الان از مملکت خارج می شود پس باید مالیات او را هم موقوف کرد چون جزء صادرات است ؟ و حال آنکه این طور نیست پس این اعتراضات وارد نیست و معمولاً باید یک عایداتی از برای تنظیم و ترتیب اداره قشون که شرحش را هم می دانند بدولت داده شود ولی اساساً بنده این مبلغ را که معین کرده اند زیاد می دانم و وقتی که داخل در مواد شدیم عرض خواهم کرد اما با گرفتن این مالیات موافقم

نایب رئیس - آقای سیدالملک موافقت یا مخالف؟

سیدالملک - مخالفم

نایب رئیس - بفرمائید

سیدالملک - اساساً با تعدیل بر کلیه صادرات مخالفم علاوه بر این همان طوری که آقای ارباب فرمودند باید فهمید که این مالیات در مقابل چه ضرورت و احتیاجی وضع می شود آقای عماد السلطنه فرمودند مالیات از چی است

عرض می کنم خیر مالیات ارضی باو اطلاق نمی شود و بعد از آنکه ما فهمیدیم در مقابل چه احتیاجی وضع می شود آن وقت باو اطلاق مالیات میکنیم ثانیاً باید دید از این راه چه عاید دولت می شود زیرا هر مالیاتی که در این مملکت وضع شود بقدری در مقابلش مخارج وضع شود که اصل مالیات از بین رفته و یک شاهی بعبود دولت نمی رود مثلاً یکی از مالیات ها مالیات تعدیل تریاک است که اگر درست اداره بشود سالی چندین کرویر عاید دولت می شود در صورتی که نصف او هم حالا بدولت عاید نمی شود ملاحظه بفرمائید در بخورد و خراسان و اصفهان اهالی گرفتار چه فشارهایی هستند پس باید دروضع هر مالیاتی خیلی فکر و تأمل کرد که عاید دولت چه می شود و فقط قصد اضافه کردن

چند صندلی و میز نباشد آقای آقا سید یعقوب هر وقت بمن خطابه صعود می فرمایند فوراً در مقابل وضع مالیات قشون نیرومند را یک سیری در مقابل مافزار داده و حمله می کنند بنده مخالف انتظام ملک نیستم یا اینکه می فرمایند در موقع معارف چه فریادها می زنند البته برای معارف فریاد می کنم اگر همین مالیات هم برای معارف باشد و بنده بدانم برای معارف خرج می شود باز تصویب می کنم ولی مالیاتی که ندانم برای چه گرفته می شود و بدولت چه می رسد مخالفت میکنم و قبول نخواهم کرد

نایب رئیس - آقای فتح الدوله موافقت؟

فتح الدوله - بلی
نایب رئیس - آقای حاج امین -

التجار چگونه؟

حاج امین التجار - بنده هم مخالفم

نایب رئیس - آقای کازرونی؟

آقای کازرونی - مخالفم
نایب رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب هم مخالفید؟

حاج میرزا عبدالوهاب - بلی مخالفم

نایب رئیس - حاجی شیخ اسدالله چگونه؟

حاج شیخ اسدالله - موافقم
نایب رئیس - بفرمائید

حاج شیخ اسدالله - بنده قصد

نداشتم در این موضوع عریضی بکنم ولی صحبتها و مذاکراتی که می شود و اظهاراتی که از طرف آقایان بروز میکند انسان مجبور می شود در مقابل آن اظهارات جواب بدهد بلی یکقسمت از مخالفت ها این بود که نباید بصادرات مملکت مالیات بست تا تجارت مملکت ترویج پیدا کند این چیز ها صحیح است اما بکلی منکر شدن مالیات و گمرک هر صادرات را بنده تصور میکنم در هیچ جای دنیا معمول نباشد بلی مالیات و گمرک بر صادرات تازه آنیکه مانع و سد تجارت باشد و به تجارت لطمه بزند نباید باشد ولی در صورتیکه به تجارت صدمه وارد نکند البته باید نسبت بصادرات مملکت به مالیات بست و در صورتیکه در بازار دنیا متاعاً مشتری داشته باشد و بقیمت اهلا بفروش برسد عقیده بنده این است ما آن درجه که میتوانیم متاع خود را در خارجه بفروش برسانیم بهمان مقیاس هم باید مالیات او را زیاد کنیم زیرا این تحمیل بر خارجه می شود و گمرک واردات برداخله تحمیل می شود

نایب رئیس - این طور عرض نکردم

حاج شیخ اسدالله - عرض می کنم وضع کثیرا گرفتن این طور نیست که فرمودید وضع کثیرا در همه جا این طور است که از گون می گیرند و گون هم در کوهها و مراتع واقع شده است که یا مالک همده دارد یا خورده مالک

رئیس التجار - این طور عرض نکردم

حاج شیخ اسدالله - عرض می کنم وضع کثیرا گرفتن این طور نیست که فرمودید وضع کثیرا در همه جا این طور است که از گون می گیرند و گون هم در کوهها و مراتع واقع شده است که یا مالک همده دارد یا خورده مالک

رئیس التجار - بایی مالک

حاج شیخ اسدالله - حالا بلی مالک را بگذارید بماند و یک قسمت راجع بدولت است آنها بیکه مالک دارد آنکسی که می خواهد کثیرا استخراج بکند میرود به صاحبان ملک یک پولی می دهد و اجازه می کند و طریقه گرفتن کثیرا هم دو قسم است یکی اینطور است که سر گون را آتش می زنند و این ترتیب بد است و سالها طول می کشد تا دوباره ریشه نمو کند از اینجهه مالکین که علاقه بملک خودشان دارند می گویند فقط حق تیغ زدن داری ولی آتش نباید بزنی مثل خشخاش که تیغ میزنند و

رئیس التجار - این طور عرض نکردم

حاج شیخ اسدالله - عرض می کنم وضع کثیرا گرفتن این طور نیست که فرمودید وضع کثیرا در همه جا این طور است که از گون می گیرند و گون هم در کوهها و مراتع واقع شده است که یا مالک همده دارد یا خورده مالک

رئیس التجار - بایی مالک

حاج شیخ اسدالله - حالا بلی مالک را بگذارید بماند و یک قسمت راجع بدولت است آنها بیکه مالک دارد آنکسی که می خواهد کثیرا استخراج بکند میرود به صاحبان ملک یک پولی می دهد و اجازه می کند و طریقه گرفتن کثیرا هم دو قسم است یکی اینطور است که سر گون را آتش می زنند و این ترتیب بد است و سالها طول می کشد تا دوباره ریشه نمو کند از اینجهه مالکین که علاقه بملک خودشان دارند می گویند فقط حق تیغ زدن داری ولی آتش نباید بزنی مثل خشخاش که تیغ میزنند و

رئیس التجار - این طور عرض نکردم

حاج شیخ اسدالله - عرض می کنم وضع کثیرا گرفتن این طور نیست که فرمودید وضع کثیرا در همه جا این طور است که از گون می گیرند و گون هم در کوهها و مراتع واقع شده است که یا مالک همده دارد یا خورده مالک

له واه واه اشتباه نشود منتهی قیمت آمنتاع در بازار های داخله و خارجه بهمان تحمیلات گرانتر می شود باز هم عرض می کنم تا زمانی که در بازارهای دنیا متاع ما بفروش می رسد باید تا آن اندازه باو مالیات وضع کنیم ولی وقتیکه جلو تجارت را گرفت باید آنرا برداشت و دیوار را شکست و تجارت را آزاد کرد دیگر این حرارتها لازم نیست اگر چه آقای مخبر توضیحی دادند و چیزی نفرمودند ولی خوب بود می فرمودند صادرات کثیرا می کنند با اینکه صدسی گرفته میشود و سالی هفتصد هشتصد هزار تومان خارج شده در سابق چقدر بوده و آیا این صدسی را که می گرفته اند نکستی به تجارت وارد کرده و قبل از جنگ یکمیلیون یا زیاد تر بوده حالا کم شده است یا خیر؟ ما که نمیتوانیم بلی اگر می دانید این مالیات نکستی به تجارت وارد آورده باید جلوی او را گرفت تا بحرله اولی خودش برسد آنوقت مجدداً مالیات بگذارند و اگر خیر در سابق تجارتش کم بوده و فرضاً یک کرویر صادر می شده و حالا که صدسی دریافت می کنند هفتصد هشتصد هزار تومان شده آن وقت باید این مالیات باقی باشد و عذر موجهی نداریم فعلاً اینکه میفرمایند فلان فقیر و بدبخت در کوههای سخت روزی یک فران می گیرد و با سرانگشت خود کتیرا می گیرد باید ترحمی بحال آنها کرد باین احساسات ضعیف نوازی که همه ماها نسبت به فقراداریم مثل این میماند که خارج از این محیط هستیم و از وضع گرفتن کتیرا خبر نداشته باشیم این بیچاره که آقای رئیس التجار میفرمایند روزی یک فران مزد می گیرد چه بکند این ایراد بر تاجر وارد است که مزد عمله را کم می دهد

رئیس التجار - این طور عرض نکردم

حاج شیخ اسدالله - عرض می کنم وضع کثیرا گرفتن این طور نیست که فرمودید وضع کثیرا در همه جا این طور است که از گون می گیرند و گون هم در کوهها و مراتع واقع شده است که یا مالک همده دارد یا خورده مالک

رئیس التجار - بایی مالک

حاج شیخ اسدالله - حالا بلی مالک را بگذارید بماند و یک قسمت راجع بدولت است آنها بیکه مالک دارد آنکسی که می خواهد کثیرا استخراج بکند میرود به صاحبان ملک یک پولی می دهد و اجازه می کند و طریقه گرفتن کثیرا هم دو قسم است یکی اینطور است که سر گون را آتش می زنند و این ترتیب بد است و سالها طول می کشد تا دوباره ریشه نمو کند از اینجهه مالکین که علاقه بملک خودشان دارند می گویند فقط حق تیغ زدن داری ولی آتش نباید بزنی مثل خشخاش که تیغ میزنند و

رئیس التجار - این طور عرض نکردم

حاج شیخ اسدالله - عرض می کنم وضع کثیرا گرفتن این طور نیست که فرمودید وضع کثیرا در همه جا این طور است که از گون می گیرند و گون هم در کوهها و مراتع واقع شده است که یا مالک همده دارد یا خورده مالک

رئیس التجار - بایی مالک

حاج شیخ اسدالله - حالا بلی مالک را بگذارید بماند و یک قسمت راجع بدولت است آنها بیکه مالک دارد آنکسی که می خواهد کثیرا استخراج بکند میرود به صاحبان ملک یک پولی می دهد و اجازه می کند و طریقه گرفتن کثیرا هم دو قسم است یکی اینطور است که سر گون را آتش می زنند و این ترتیب بد است و سالها طول می کشد تا دوباره ریشه نمو کند از اینجهه مالکین که علاقه بملک خودشان دارند می گویند فقط حق تیغ زدن داری ولی آتش نباید بزنی مثل خشخاش که تیغ میزنند و

رئیس التجار - این طور عرض نکردم

حاج شیخ اسدالله - عرض می کنم وضع کثیرا گرفتن این طور نیست که فرمودید وضع کثیرا در همه جا این طور است که از گون می گیرند و گون هم در کوهها و مراتع واقع شده است که یا مالک همده دارد یا خورده مالک

رئیس التجار - بایی مالک

حاج شیخ اسدالله - حالا بلی مالک را بگذارید بماند و یک قسمت راجع بدولت است آنها بیکه مالک دارد آنکسی که می خواهد کثیرا استخراج بکند میرود به صاحبان ملک یک پولی می دهد و اجازه می کند و طریقه گرفتن کثیرا هم دو قسم است یکی اینطور است که سر گون را آتش می زنند و این ترتیب بد است و سالها طول می کشد تا دوباره ریشه نمو کند از اینجهه مالکین که علاقه بملک خودشان دارند می گویند فقط حق تیغ زدن داری ولی آتش نباید بزنی مثل خشخاش که تیغ میزنند و

رئیس التجار - این طور عرض نکردم

حاج شیخ اسدالله - عرض می کنم وضع کثیرا گرفتن این طور نیست که فرمودید وضع کثیرا در همه جا این طور است که از گون می گیرند و گون هم در کوهها و مراتع واقع شده است که یا مالک همده دارد یا خورده مالک

رئیس التجار - بایی مالک

حاج شیخ اسدالله - حالا بلی مالک را بگذارید بماند و یک قسمت راجع بدولت است آنها بیکه مالک دارد آنکسی که می خواهد کثیرا استخراج بکند میرود به صاحبان ملک یک پولی می دهد و اجازه می کند و طریقه گرفتن کثیرا هم دو قسم است یکی اینطور است که سر گون را آتش می زنند و این ترتیب بد است و سالها طول می کشد تا دوباره ریشه نمو کند از اینجهه مالکین که علاقه بملک خودشان دارند می گویند فقط حق تیغ زدن داری ولی آتش نباید بزنی مثل خشخاش که تیغ میزنند و

رئیس التجار - این طور عرض نکردم

حاج شیخ اسدالله - عرض می کنم وضع کثیرا گرفتن این طور نیست که فرمودید وضع کثیرا در همه جا این طور است که از گون می گیرند و گون هم در کوهها و مراتع واقع شده است که یا مالک همده دارد یا خورده مالک

شیره او خارج می شود بالاخره آن شخص سرمایه دار آن بیچاره کار گرا میبرد آنجا از صبح تا شام باید آنجا کار بکند و روزی دو قران سه قران باو می دهد که آن بیچاره باید بآن مبلغ جزئی مبلغ خرج خود وزن و بچه اش را بگذرانند و حالا اینکه آقایان تصور میفرمایند این مالیاتی که گرفته می شود بآن بیچاره ضرری وارد بیاورد این طور نیست خیر آقا این بیچاره ضرر نمی کند و فایده و نفع او را آن تاجر سرمایه دار یا مالک میبرد چرا باید خلط مبحث شود و موضوع بههم مخلوط شود و حقیقت گفته نشود و بنام فقرا و بیچارگان نسبت به یک مالیاتی که میخواهیم وضع کنیم این طور مذاکرات بکنیم حالا اگر آقایان مخالفند این مالیات وضع شود وضع نکنند ولی بیچاره عملها را بنام نکنند آن بیچاره از صبح تا شام در آفتاب عرق میریزد و دو قران مزد می گیرد ولی نفع او را سرمایه دار و تاجر میبرد این بود اصل مطلب در سابق قبل از آنکه این مالیات وضع شود همانطور که عرض کردم مالک ملک یک حقی می گرفت و اجاره می داد و در خالصات هم مأمورین دولتی می گرفته ولی در این اواخر که گفتند کلیه مال دولت است است و باید حقی را که بمالک می دادند بدولت بدهند حالا هم مالک هم دولت و اگر مالک نکیر فقط دولت **رئیس التجار -** در خراسان کسی نمی گیرد

حاج شیخ اسدالله - هر وقت

فرمایشاتان تمام شد اجازه بدهید عرض کنم بلی اگر اینطور باشد که مالک ملک حق نداشته باشد جلو گیری بکند و آن کسی که عامل اینکار است آزادانه بتواند بیاید استخراج کند خیلی خوشوقت می شدم ولی چون مایوس هستم و مالکین خواهند گفت که من این گون را به شتر و قاطر خودم می دهم و از این جهت حق خودم را باید بگیرم ناچار این تحمیلات از آنهاست در هر صورت بسته بنظر آقایان است و عرض می کنم فرق نمی کند یا تاجر می گیرد یا بقول آقا رعیت با انگشت های خودش زحمت می کشد و کتیرا می گیرد در هر حال اگر لطمه به تجارت نزند عیبی ندارد این مالیات گرفته شود و اگر لطمه به تجارت زد و جلوی تجارت را گرفت باید آزاد گذاشت تا در بازار دنیا بفروش برسد و اگر بفروش رفت و ترقی کرد صد چهل هم بگیرند بلکه می گویم صد صد هم ضرری ندارد ولی باز تکرار می کنم اگر ضرر برساند و بفروش نرسد باید بکلی آزاد و بلا مانع باشد این بود عرایض بنده

فهمیم الملک (مخبر کمیسیون) -

در جواب توضیحات آقای حاج شیخ اسدالله عرض می کنم تا قبل از سنه ۱۹۱۳ و ۱۹۱۴

حاج شیخ اسدالله - عرض می کنم وضع کثیرا گرفتن این طور نیست که فرمودید وضع کثیرا در همه جا این طور است که از گون می گیرند و گون هم در کوهها و مراتع واقع شده است که یا مالک همده دارد یا خورده مالک

رئیس التجار - بایی مالک

حاج شیخ اسدالله - حالا بلی مالک را بگذارید بماند و یک قسمت راجع بدولت است آنها بیکه مالک دارد آنکسی که می خواهد کثیرا استخراج بکند میرود به صاحبان ملک یک پولی می دهد و اجازه می کند و طریقه گرفتن کثیرا هم دو قسم است یکی اینطور است که سر گون را آتش می زنند و این ترتیب بد است و سالها طول می کشد تا دوباره ریشه نمو کند از اینجهه مالکین که علاقه بملک خودشان دارند می گویند فقط حق تیغ زدن داری ولی آتش نباید بزنی مثل خشخاش که تیغ میزنند و

رئیس التجار - این طور عرض نکردم

حاج شیخ اسدالله - عرض می کنم وضع کثیرا گرفتن این طور نیست که فرمودید وضع کثیرا در همه جا این طور است که از گون می گیرند و گون هم در کوهها و مراتع واقع شده است که یا مالک همده دارد یا خورده مالک

رئیس التجار - بایی مالک

حاج شیخ اسدالله - حالا بلی مالک را بگذارید بماند و یک قسمت راجع بدولت است آنها بیکه مالک دارد آنکسی که می خواهد کثیرا استخراج بکند میرود به صاحبان ملک یک پولی می دهد و اجازه می کند و طریقه گرفتن کثیرا هم دو قسم است یکی اینطور است که سر گون را آتش می زنند و این ترتیب بد است و سالها طول می کشد تا دوباره ریشه نمو کند از اینجهه مالکین که علاقه بملک خودشان دارند می گویند فقط حق تیغ زدن داری ولی آتش نباید بزنی مثل خشخاش که تیغ میزنند و

رئیس التجار - این طور عرض نکردم

حاج شیخ اسدالله - عرض می کنم وضع کثیرا گرفتن این طور نیست که فرمودید وضع کثیرا در همه جا این طور است که از گون می گیرند و گون هم در کوهها و مراتع واقع شده است که یا مالک همده دارد یا خورده مالک

رئیس التجار - بایی مالک

حاج شیخ اسدالله - حالا بلی مالک را بگذارید بماند و یک قسمت راجع بدولت است آنها بیکه مالک دارد آنکسی که می خواهد کثیرا استخراج بکند میرود به صاحبان ملک یک پولی می دهد و اجازه می کند و طریقه گرفتن کثیرا هم دو قسم است یکی اینطور است که سر گون را آتش می زنند و این ترتیب بد است و سالها طول می کشد تا دوباره ریشه نمو کند از اینجهه مالکین که علاقه بملک خودشان دارند می گویند فقط حق تیغ زدن داری ولی آتش نباید بزنی مثل خشخاش که تیغ میزنند و

رئیس التجار - این طور عرض نکردم

عوارضی بر کتیرا وضع نشده بود ولی میزان صادراتش خیلی زیاد بود قبل از جنگ از یک میلیون هم تجاوز می کرد ولی بواسطه جنگ کم شده و چون اغلب کتیرا از نقاط کردستان استخراج می شود و آنجا هم در تحت اشغال قوای نظامی بود و نمی شد کسی برود کتیرا استخراج کند کم کم رو به تنزل گذاشت و کتیرا هم چیزی نیست که دو سال سه سال بماند زود خراب می شود و این بود که خیلی تنزل کرد ولی از سال قوی ثیل زیاد شد تا از سال تخاقوی ثیل زیاد شد تا در سال تخا - قوی ثیل که صادراتش به مقصد وچهل و یک هزار تومان رسید ولی مابین سه تخاقوی - ثیل و سه ۱۹۱۳ قبل از جنگ معلوم می شود چقدر بوده ولی تحقیقا میزان صادراتش قبل از جنگ متجاوز از یک میلیون بوده است و در موقع جنگ خیلی خیلی کم شده

نایب رئیس - آقای مستشار السلطنه

مستشار السلطنه - بلی با آقای حاج شیخ اسدالله مخالفم

نایب رئیس - بفرمائید

مستشار السلطنه - آقای حاج شیخ اسدالله بالینکه اهل علم و منطق هستند در این قضیه تأمل نکردند نه اینکه ملاحظه فرمودند بلکه اعتراض هم به آقای رئیس التجرار و سایر مطلعین این قضیه فرمودند و این مسئله چون راجع به تجارت است و اگر باهملش رجوع کنیم بهتر است خوب است آقایانی که در مسائل تجارتنی صرف وقت نکرده اند آقایانی که از امر تجارت مسبوق هستند مراجعه بفرمایند حالا در قضیه کتیرا در موضوع فقیر و رعیت و رنجبر نمی خواهم داخل شویم ولی این اصل را متذکر می شوم که یک رشته مهم از صادرات مملکت ما کتیرا و انقوزه و قلیاب است آقایانی که مخالفند با عوارض اینمناجچه می گویند می گویند اگر کتیرا یک من پنجقران بفروشد برود بهتر بفروش می رود یا یکمن یکتومان؟ البته هرچه جنس ارزان تر بیازار اروپا برود نه اروپا هر جای دنیا زود تر و زیاد تر بفروش برسد می فرمایند باید مالیات از عوائد مملکت هر هایدی که باعث برای مخارج مملکت باید اخذ شود آقایان مخالفین درین اینکه با وضع این مالیات مخالفند مخالفتی با این موضوع بخصوص ندارند که مخارج مملکت را باید اهالی بدهند ولی خوب است قدری بحشو و زوائد بپردازیم و یک اصل کلی را مراعات کنیم و آن این است که صادرات مملکت باید از عوارض مصون باشد حالا ضرر بر تاجر متوجه است با برهت یا بمالك یا بهیچ کدام اینها تمام فرع است و اگر بخوایم صادرات ما هم اگر يك كرور است دو كرور بشود یا دو كرور است سه كرور بشود نمی شود مگر اینکه وسائل آزادی تجارت را فراهم کنیم

و موجبات سهولت او را فراهم نمایم مثلا اگر رعیت یکمن یا پنجمن کتیرا آورد و بتاجر فروخت و در سرحد عوارض از او اخذ نشد و معطل نشد البته صادراتش کم کم زیاد می شود و زود تر بفروش میرسد تا هرچه گران تر بکنند عوارض باو ببندند البته این را نمی شود با هیچ منطقی ثابت کرد هرچه گران تر شود و عوارض او سنگین تر بشود زود تر بفروش می رسد آقای حاج شیخ اسدالله می فرمایند که آیا در اواخر زیاد تر بفروش رفته است یا قبل از جنگ و از آقای مخبر توضیح خواستند این طبعی است قبل از جنگ صادرات کتیرا قریب سه كرور تومان بود و حالا باین مقدار رسیده است و همانطور که آقای ارباب فرمودند ماهوض اینکه کتیرا که یکی از صادرات مهم مملکت است وسائل ترقی او را فراهم کنیم ما فکر می کنیم مخصوصا يك وسیله مشکلی برای او فراهم کنیم این قضیه را نیز نباید فراموش کرد که جنگ بین المللی استاتیک تجارتی را درهم و برهم کرده است و استاتیک جنگ بین المللی را نباید در نظر داشت ولی قبل از جنگ تاکنون صادرات کتیرا تفاوت محیر العقولی پیدا کرده تقریبا نصف شده و اگر حلاقیه مند بصادرات هستیم باید این نکته را بدانیم که اگر باین عوارض که تا امروز اهمیت داده نشده اهمیت داده شود این ششصد هفتصد هزار تومان هم بکلی از بین خواهد رفت و يك همچو تجارت مهم مملکت را نباید توی شرش زد و کوچکش کرده و بهلاوه همانطور که یکی از آقایان فرمودند واقعا این مال التجاره را بتاجر و رعایا بر حسب شوق و میل خودشان بارویا حمل کرده حمل کردند و فروختند دولت بهیچوجه تشویق نکرد در حالی که این حق دولت است که در کوه پایه ها و سائلی فراهم کند و مبالغی مصرف کند که تهیه کتیرا صحیح شود و مخلوط با خاک شود و اگر اینطور بشود حتما يك پرده بر خوبی و مشتری اوضاعه می شود و اینکه آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند احساسات فقیر نوازانه آقایان در اینخصوص دارند عرض کنم بلی نقطه نظر آمار و افراد دولت و ملت عاجز نوازی است بلی باید تجارت و تاجر را نوازش کرد و وسائل سهولت تجارت را فراهم کرد و چیزی که صادرات مملکت را زیاد بکند باید تهیه کرد و این فرمایش آقای حاج شیخ اسدالله را بنده مخالف با اصل مسئله تصور نمی کنم ولی البته بالینکه چیزی از صادرات ما خوذ شده مخالف هم با صدی بیست و هم صد نیم و بلکه با هر خرواری يك قران هم مخالفم برای اینکه اسباب زحمت تاجر و بطور تجارت خواهد شد چون بعضی اینکه بمامورین مالیاتی دستور بدهند که فلان مبلغ مالیات بگیرند اسباب زحمت

کلی تجارت و تجارت را فراهم خواهند کرد و این هم سبب تأخیر صدور و دیر فروش رفتن و گرانی او در خارجه خواهد شد و بهیچوجه هیچ قسم تعجیل و عوارض بمال التجاره صادره حاضر نیستیم و در خاتمه هم درخصوص قالی که اشوا فرمودند بنده بکلی مخالف می دانم قضیه قالی را با قضیه کتیرا مخلوط کرد و در مسئله قالی در خارج با آقای ارباب کیخسرو تبادل نظر می کنم

(بعضی اظهار نموده مذاکرات کافی است)

نایب رئیس - گمان می کنم مذاکرات کافی باشد رأی می گیریم آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - کافی است چهار فقره پیشنهاد رسیده است باید قرائت شود

(آقای منتصر الملك سه فقره پیشنهادات را بشرح آتی قرائت نمودند)

پیشنهاد می نمایم - چون بقرار تحقیقاتی که شده مالیات کتیرا برای دولت فایده نداشته است . ما امضاء کنندگان عقیده داریم که از کتیرا در محل و در کم رکات دنیاری گرفته نشود .

سید فاضل کاشانی . حاج میرزا مرتضی کرمانی . غضنفرخان . منتصر الملك .

ناظم دفتر . مستشار السلطنه . حاج شیخ - محمد حسن گروسی . میرزا علی کازرونی . صدرالاسلام . وکیل الملك . وکن الملك . محقق العلماء . سهام السلطان . نظام الدوله . سید محمد تقی طباطبائی . میرزا ابراهیم قمی . بیان الدوله . امیر ناصر . حاج میرزا تقی خان - نائینی . بیان الملك . رئیس التجرار . امین الشریعه . میرزا هاشم آشتیانی . عماد السلطنه طباطبائی . سید کاظم یزدی . محمد هاشم میرزا . مصمم السلطنه . . . بنده پیشنهاد میکنم بجای لایحه به ماده واحده ذیل رأی داده شده مالیات و عوارضی که تاکنون از مواد کتیرا و انقوزه و قلیاب دریافت میشده است بکلی موقوف و از تاریخ اجرای این قانون هیچگونه مالیات و عوارضی بهر اسم و رسم که باشد نباید مطالبه شود فهم الملك . بنده پیشنهاد میکنم در صورتیکه دولت مالیات کتیرا را بگیرد این عبارت بلائحه علاوه شود مالکین مراتع هم نظر رعایت مال فقراء از تهیه کنندگان کتیرا چیزی بعنوان مالیات دریافت ندارند منتصر الملك . بنده پیشنهاد میکنم ماده اول و سیم چهارم راپرت کمیسیون قوانین مالیه حذف و ماده دوم که از قرار است بطور ماده واحده تصویب شود ماده واحده - مالیات و عوارضی که تاکنون از مواد کتیرا و انقوزه و قلیاب دریافت می شده است بکلی موقوف و از تاریخ اجرای این قانون در داخله مملکت

بهیچگونه مالیات و عوارض بهر اسم و رسم که باشد چه از مالک چه از عملچاتی که آنرا استخراج می نمایند و چه از تاجر و معاملین آن نباید مطالبه شود .

عماد السلطنه طباطبائی

نایب رئیس - گمان میکنم پیشنهادات چندان اختلافی بایکدیگر نداشته باشد محمد هاشم میرزا - خیر آقا خیلی اختلاف دارد پیشنهاد سومی مخالف با اصول مالکیت است .

نایب رئیس - مفاد پیشنهادات این است که بهیچ اسم و رسم از این اجناس چیزی گرفته نشود نه بعنوان گمرک نه بعنوان مالیات و پیشنهاد سومی مسئله دیگری است که دخلی بلائحه ندارد در پیشنهاد چهارمی هم مذاکره نمیشود آن دو پیشنهاد اولی گمان می کنم یکی باشد و چندان محتاج بتوضیح نباشد آقای کازرانی معذالك می - خواهند توضیح بدهند؟

مخبر - بنده کار را آسان میکنم چون نظریات مجلس تقریبا معلوم شده بنده تقاضا میکنم که این پیشنهادات را اعاده بدهند بکمیسیون و کمیسیون راپرت جدیدی تهیه کرده و بمجلس بدهد .

نایب رئیس - خطاب با آقای ارباب کیخسرو در پیشنهاد فرمایشی دارید .

ارباب کیخسرو - بنده در صورتی با آقای مخبر موافقت خواهم کرد که همین قسم که پیشنهاد شده است گرفتن مالیات موقوف باشد نه اینکه برود بکمیسیون و مدتها در کمیسیون بماند و باز این مالیات گرفته شود .

نایب رئیس - گمان میکنم فرمایشی که فرمودید با فرمایشی که آقای مخبر فرمودند و تقاضای ارجاع کردند مورد نداشته باشد حالا باید بر گردد بکمیسیون و نظریات کمیسیون معلوم شود .

ارباب کیخسرو - مقصود بنده این بود که بعضی مطالب بعضی کمیسیونها ارجاع شود و بعضی کمیسیونها چاه و بل است که دیگر مطالب از آنجا بر نمی گردد و آنوقت ممکن است آن مقصودی که مطمح نظر اکثریت مجلس است بعمل نیاید و بنده البته می دانم موافق نظام نامه باید بکمیسیون برود ولی زود هم باید برگردد .

مخبر - فردا کمیسیون قوانین مالیه جلسه خواهد داشت و برای سه شنبه راپرت آنرا تقدیم میکنم .

نایب رئیس - گمان میکنم دیگر مذاکرات موضوع نداشته باشد چون چیزی در دستور نیست باید داخل در موضوع پوست بره بشویم .

(بعضی اظهار نمودند وقت گذشته است و ظهر است جلسه را ختم بفرمائید)

نایب رئیس - بسیار خوب جلسه را ختم میکنم دستور جلسه آتی همین لایحه که

آقای فهیم الملك تقاضای ارجاع بکمیسیون کردند و بعد هم لایحه راجع بیوست بره است .
(بعضی ها اظهار نمودند روز جلسه را معین نفرمودید)

نایب رئیس - روز سه شنبه سه ساعت نیم قبل از ظهر .
(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)
مؤتمن الملك

جلسه ۱۰۶

سورت مشروح مجلس عصر
یوم شنبه بیست و هفتم برج جوزا ۱۳۰۱ مطابق بیستم ۱۳۴۰ مجلس نیم ساعت بغروب بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید
رئیس - صورت مجلس صبح چون هنوز تهیه نشده با صورت مجلس عصر هر دو روز سه شنبه قرائت خواهد شد .

دستور این جلسه هم چون فراموش شده است قبلا اعلام شود اگر آقایان موافق باشند دوفقره مطلب که از کمیسیون رسیده و حاضر است جزو دستور امروز شود . یکی لایحه راجع بطواحقین که مدتی است طبع و توزیع شده دیگر لایحه است که از کمیسیون مبتکرات رسیده و راجع بخدم قبول شغل از طرف آقایان نمایندگان می باشد سه فقره راپورت هم است شعبات یکی راجع بنمایند بلوچستان و دوفقره دیگر راجع بنمایندگان تبریز رسیده است قرائت می شود آقای آقا سید یعقوب احضار برای قرائت راپورت

آقای آقا سید یعقوب راپورت کمیسیون تحقیق انتخابات را راجع بنمایند کی آقای دکتر رفیع خان بمضمون ذیل قرائت نمودند کمیسیون انتخابات آذربایجان در تشکیل راپورت های سابق خود راجع بنمایند کی آقای دکتر رفیع خان نماینده معترم تبریز و حوزه های تابعه چنین اظهار عقیده می نماید مطابق مراسله وزارت جلیله خارجه و تلگراف خود آقای دکتر رفیع خان که قبول نمایندگی را نموده اند چون در صلاحیت ایشان ایرادی نبود و جریان انتخابات آنجا بهمان ترتیبی است که در راپورتهای سابق بعرض مجلس رسیده اعضاء کمیسیون با اتفاق نمایندگی ایشان را تصدیق می نمایند .

رئیس - نسبت باین راپورت مخالفی هست یا خیر ؟

(اظهاری نشد)
رای می گیریم بنمایند کی آقای دکتر رفیع خان از تبریز آقایانی که نمایندگی ایشان را تصویب می کنند قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد

راپورت راجع بنمایند کی آقای ناظم الدوله را نیز آقای آقا سید یعقوب بمضمون ذیل قرائت نمودند

کمیسیون انتخابات آذربایجان در تکمیل راپورت راپورتهای سابق خود راجع بصلاحیت نمایندگی آقای ناظم الدوله نماینده معترم تبریز و حوزه های تابعه چنین اظهار عقیده می نماید مطابق مراسله وزارت جلیله خارجه و تلگراف خود آقای ناظم الدوله که قبول نمایندگی را نموده اند چون در صلاحیت ایشان ایرادی نبود لذا باتفاق نظر بر راپورت های سابق نمایندگی ایشان را تصدیق می نماید و جریان انتخابات آنجا بهمان ترتیبی است که در راپورتهای گذشته بعرض مجلس مقدس رسیده .

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا نسبت باین راپورت اعتراضی دارید
محمد هاشم میرزا - خبر راجع بمسئله قبول کار از طرف نمایندگان عرض داشتم .

رئیس - نسبت بنمایند کی ناظم الدوله مخالفی نیست .

(اظهار مخالفی نشد)
رای می گیریم آقایانی که نمایندگی آقای ناظم الدوله را تصویب می کنند قیام فرمایند .
(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - آقای سهام السلطان (احضار برای قرائت راپورت)

آقای سهام السلطان راپورت شعبه اول راجع بنمایند کی میرزا سید حسن خان از بلوچستان را بطریق ذیل قرائت نمودند شعبه اول بدوسیه انتخابات نماینده بلوچستان رسیدگی نموده در تاریخ دوم جمادی الثانیه انجمن نظار در فزح با حضور نماینده ایالت کرمان تشکیل و اعلان انتخابات منتشر و از (۵۷۰) نفره دو تقسیم و اخذ آراء گردیده آقای آقا میرزا سید حسن خان به (۵۷۰) رای انتخاب شده اند شعبه اول صحت انتخابات ایشان را به اتفاق آراء تصدیق و راپورت آن بعرض می رسد .

رئیس - نسبت باین راپورت مخالفی هست .

گفته شد خیر
رئیس - رای می گیریم بنمایند کی آقای آقا میرزا سید حسن خان از بلوچستان آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند .
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . طرح قانونی پیشنهاد جمعی از آقایان راجع بمعرومیت نمایندگان از مشاغل دولتی که چندی قبل بکمیسیون مبتکرات رجوع شده بود حاله راپورتنی از طرف کمیسیون رسیده و آن طرح را قابل توجه دانسته است حالا باید

قابل توجه بودنش مذاکره بشود و اگر قابل توجه شد مراجعه می شود بکمیسیون که معین خواهد فرمود .

آقای منتصر الملك طرح مزبور را که عبارت از دو ماده ذیل بود قرائت نمودند .

۱ - هر کس بنمایند کی مجلس شورای ملی انتخاب شود و قبوم نمایندگی در تمام مدت دوره تقنینیه و لواز نمایندگی استعفا دهند نمی تواند هیچ يك از مشاغل موظف دولتی و عمومی را عهده دار شود .

۲ - مفاد ماده فوق شامل نمایندگان دوره حاضر نیز می باشد

رئیس آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - اگر چه بنده خیلی میل داشتم ادله موافقین و پیشنهاد کنندگان را در این باب شنیده و بعد اظهار مخالفت نمایم ولی چون قبلا اجازه خواسته بودم و در نظامنامه هم قید می کنند که موافق و مخالف یکی بعد از دیگری باید حرف بزنند . لهذا بنده عرض می کنم نمی دانم و کالت چه تقصیر کرده است که اگر و کالت ملت را قبول نمود باید از سایر کارها محروم باشد . خصوصاً این که قید شده است در صورتی که استعفاء دهند نمی تواند کار دیگری قبول نمایند .

بنده این پیشنهاد را برخلاف اصول آزادی می دانم زیرا اگر کسی وکیل شد و بجهت منخواست تا آخر دوره وکیل باشد یا آنکه دیدار عهده وظایف و کالت بر نمی آید یا اینکه حقوق و کالتی زندگانی او را تامین نکرد و استعفاء داد در این صورت چهار باید آزادی دوساله اش از دستش برود مگر کسی که وکیل می شود خودش را فروخته است ؟ مگر عیدو عید است که اگر استعفاء بکنند نباید کار دیگری قبول کنند در مملکت ما چون مشروطیت سابقه نداشته اشخاص مبرز زیادی را برای وکالت تهیه نکرده چنانچه ملاحظه میفرمائید در همین چهار دوره اشخاصی مانند آقای مشیرالدوله طرف توجه ملت بوده اند و ملت با تقاضاهای شدید ایشان را بنمایند کی انتخاب کرده و بعد وجودشان برای ریاست وزرائی و وزارت لازم می شود و همانطور که باشد احتیاج ایشان را بوکالت انتخاب کرده اند نظر بهمان احتیاجات و احساسات وجود ایشان را برای ریاست وزرائی لازم می شمردند و بوزارت انتخاب می شوند و این لایحه بکلی این باب را مسدود می نماید و بعد ها یا باید اشخاص لایق را بوکالت انتخاب نمود و یا در صورتی که انتخاب شوند در مدت دوساله از وجود آنها استفاده دیگری می کنیم علاوه در هر يك از ادوار مجلس از ۱۳۶ نفر نمایندگان ده نفر بیشتر آنها هم در موانع لازم بکار دیگری

اشتغال نمی نمایند اینطور نیست که فی الفور هر کسی وکیل شد وزیر بشود و اینقدر عده و کلاه کم شود که مجلس در سرش ماه از اکثریت بیفتد و در این چند دوره هر وقت احتیاج وادار کرد که چند نفر از مجلس خارج شوند ملاحظه شده است که مجلس از اشخاص بر جسته خالی مانده و در يك اشکالاتی که پیش می آید از آنها یادآوری می شود . بنابر این بعقیده بنده اساس این پیشنهاد منطقی نیست و بنیاستی و کالت را لکه فرض نمود که بدامان هر کس چسبید گفت کار دیگری نمی تواند قبول نماید شاید که تصور شود از هر دوره سه چهار نفر و کالت را نردبان وزارت قرار دهند ولی برای حفظ مصالح کل مملکت قبول شرقلیل نسبت بمنفع کثیر از اصول مسلمه دنیا است و برای خاطر پنج شش نفر نمی شود یکجماعت (۱۳۶) نفری را از یکجکحق محروم نمود و این مفاسدی که بنظر آقایان میرسد نسبت بمصالحش خیلی جزئی است و در اغلب ممالک دنیا که یکی از آنها انگلیس باشد که از مشروطیت از ما خیلی اقدم است و مشقتل با حفظ صندلی و کالت بمقام وزارت میرسد و وقتی از وزارت معزول شد دومرتبه باز در صندلی و کالت قرار می گیرد حالا قانون اساسی ما خیلی تند رفته است که می گوید هر وکیل که وزیر شد از وکالت باید استعفاء بدهد بنا بر این بنده برای موافقت با این پیشنهاد منطقی ندیدم و خوب است آقایان موافقین نظریات خودشان را بفرمایند تا بنده هم اجازه خواسته و جواب عرض نمایم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - حضرت والا شاهزاده محمد هاشم میرزا در بیانات خود يك خطا باتی دارند که می خواهند آنهارا بجای برهانیات بیان کنند ولی بنده گمان نمی کنم آن خطا بات اینقدرها بتواند بابرهان مقاومت نمایند بلی يك مفاهیم کلی بیان می فرمایند که اینها بر خلاف ترتیبات آزادی و حکومت ملی و غیره و غیره می باشد آنها وقتی مصداق خارجی پیدا کنند صحیح است لیکن هیچ کدام مصداق خارجی ندارد و همان صورت وهمیه است ما باید منافع مملکت را بر تمام اینها مقدم بداریم و باید ناظر بحفظ منافع مملکت باشیم مگر در مجلس شورای ملی نیستیم و خبر نداریم که از طرف منتظر الوزرا چه عملیاتی نسبت به کابینه ها می شود که هرروزه دولت ها دچار زحمت می شوند بنده يك نفر وکیل هستم که هیچ وقت وزیر نخواهم شد و در این خیال هم نیستم زیرا لباس وعبای من هم بمن اجازه نمی دهد لیکن اساساً عرض می کنم ما باید امنیت مملکت و محفوظ بودن سعادت و راحتی مردم را بر هر چیز مقدم بداریم چنانکه در

همینجا آن اشخاصی که از اشخاص برجسته مملکت بودند اظهار می کردند که در موقع حفظ مملکت و سعادت و ترقی ملت تمام قوانین باید زیر پا گذاشته شود و امروز این عملیاتی که از انتخابات می شود و حرص و طمع هائی که در راه و کالت می شود نه از برای و کالت و فحش شنیدن از روزنامه جات است بلکه برای نیل بمقام وزارت می باشد اگر ما این پیشنهاد را قبول کردیم از یک قسمت عمده از دسیسه هائی که در اطراف انتخابات می شود و بلای مبرمی شده است جلوگیری نموده ایم نظر بنده فقط حفظ منافع و مصالح مملکت است

محمد هاشم میرزا - نظر همه همین

است

آقا سید یعقوب - اثبات شئی ماعدا نمی کند امیدوارم همه شما ها بمراتب بیشتر از بنده این منظور را داشته باشید دیگر از منافعی که قبول این پیشنهاد دارد همان استقرار دولت ها و جلوگیری از دسیسه هائی است که در سقوط آنها میشود زیرا همیشه از دسیسه هائی که در امر انتخابات برای نیل بمقام وزارت می شود جلوگیری شده بالطبع اشخاصی که در مجلس هستند چون بخیال وزارت نیستند البته از این ترتیبات جلوگیری خواهد شد

بنده چون خودم در مجلس هستم باید هیب خودمان را بگویم اگر عقاید آقایان با عقاید صادق بنده همراهی نمود و آقایان موافقت و همت نموده بقول آقای ملک الشعراء عالیجنابی فرموده عبارت شاهزاده محمد هاشم میرزا را بگوش نیارده برای دادند در این مسئله که هر روز ایرادات گوناگون برای کابینه تراشیده و وزراء را در تحت استیضاح و سؤال بکشان و امیال خود را بطرزهای مختلف جلوه داده و کابینه را مجبور بسقوط نمایند جلوگیری شده و به بحران های پی در پی خاتمه خواهند داد و بالطبع از نتیجه بحران کاشتاشات ولایات و ناامنی طرق و شوارع باشد مانع خواهیم شد

اگر این پیشنهاد را ما برای سعادت مملکت تصویب کنیم مقام و کالت عالی مرتبه میشود و هم کابینه های مملکت با دوام خواهد بود چه شده است که ما باید هر روز یک کابینه را مثل پیراهن عوض نماییم

محمد هاشم میرزا - تقصیر مجلس

نیست

آقا سید یعقوب - تمام شد حضرت والا! بلی بنده نمی خواهم عرض کنم که حتماً منتظر الوزرا را باعث سقوط کابینه ها هستند اما این مسئله را بنده از معدات می دانم وقتی معدات جمع شدند علت تأیید پیدا میشود

تمام قوانین ارضی (غیر از قانون

آسمانی) قابل تغییر است تمام قوانین برای سعادت ملت و جامعه بشر وضع می شود هر کجا يك ماده قانون برخلاف منافع و سعادت جمعیت باشد ابتدا او را نمی شود قانون تصور کرد و باید آن ماده یا مال شده از بین برود منافع بشر مقدم بر آن مرکبی است که روی کاغذ آورده اند بمقیده بنده بامشروطیت نزج نگرفته و از حیث آزادی برومند نشود ما باید این قانون را بکنز انبیم ما دوسه دوره بگذرد و انتظار وزارت از دماغ و کلا بیرون برود تا متحصن اسباب سقوط کابینه ها نشوند و البته بعد از اینکه قانون در مملکت بسط پیدا نمود و اجرای آن جزو طبیعت ثانوی و اخلاق ما باشد آنوقت ممکن است تمام وزراء بلکه تمام مامورین دولت را از مجلس انتخاب نمایند این است نظریات بنده و لهذا با این پیشنهاد موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب در عرض برهانیات متوسل بجدلیات شدند
آقا میرزا سید حسن کاشانی (اجازه)

آقا میرزا سید حسن - عرض می

کنم اگر این لایحه مخالف با اصل ۳۲ قانون اساسی نبود بنده هم با آن موافق بودم ولی چون مخالف با اصل ۳۲ است و ما هم بحفظ اصول قانون اساسی قسم خورده ایم باینجهت مخالفم

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)

حاج میرزا مرتضی - بدیهی است و کالت يك فرد بانی است برای نیل بمقام وزارت و اگر چنانچه این قانون انشاء الله از مجلس بگذرد دواعی برای وزارت خیلی کم می شود و این انتریکاتی که در اطراف مملکت برای تعیین و کبیل میشود از بین میرود و بالطبع و کالت ما بایک طرز ساده انجام خواهد گرفت بعلاوه باین ترتیب که هر روز آقایان برای وزارت یا شغل دیگری استعفا میکنند دولت يك مبالغ زیادی ضرر بایستی برای تجدید انتخاب متحمل شود اگر این قانون وضع شود بکلی از اینکار جلوگیری می کند و اسباب ضرر فوق العاده برای مملکت نمی شود همان طور که آقای آقا سید یعقوب فرمودند برای تعیین کابینه وزراء هم بعد از این دچار اشکالات نخواهیم شد و تعیین وزرا کاملاً با نظریات خود رئیس دولت خواهد بود و کابینه ها هم هر روز متزلزل نخواهد بود و اما اینکه فرمودند این پیشنهاد با اصل ۳۲ قانون اساسی مخالف است بنده عرض می کنم اینطور نیست زیرا مقصود از اصل ۳۲ این است که اگر و کبیلی بمقام وزارت رسید باید از شغل و کالت استعفا دهد و دیگر بعد از استعفا از وزارت نمی تواند دوباره مقام و کالت را اشغال کند مگر بتجدید

انتخاب از طرف ملت بنا بر این این اصل مخالفتی با این پیشنهاد ندارد و لهذا بنده موافقم

رئیس - آقای اقبال السلطان (اجازه)

اقبال السلطان - متأسفانه موافقت و مخالفت آقایان از باب عماد در این موضوع مورد سوعظن نیست در صورتی که مخالفت امثال بنده شاید اسباب سوعظن شود ولیکن مقدمتاً برای اینکه دفع سوعظن از آقایان بشود در همین مقام مقدس بشرافت و وجدان خودم قسم یاد میکنم که باین مقیده و کالت قبول نکرده ام که بیایم در مجلس وزارت یا شغل دیگری را قبول نمایم و تا آخرین ساعت که پارلمان مفتوح باشد اگر عمری داشتم خدمت آقایان خواهم بود با تمام این مقدمات پیشنهادی را که آقایان نموده اند مخالف با اصل ۳۲ قانون اساسی میدانم برای اینکه مفهوم اصل ۳۲ این است که اگر و کبیلی از شغل و کالت استعفا بدهد می تواند خدمت دیگری را از قبیل وزارت و غیره قبول نماید بنا بر این این پیشنهاد مخالف این اصل بوده و بعلاوه با مرام دموکراسی هم مخالفت دارد و به همین جهت آقایانی که مسلکشان مسلك دموکراسی است مخالف این پیشنهاد خواهند بود آقای آقا سید یعقوب فرمایشاتی فرمودند که اگر بخوام هر يك از آنها را جواب عرض کنم تمام اعتراضات بخود و کاندیدشان متوجه خواهد شد لهذا از آنها سرف نظر منمایم دلیل کل آقایان برای قبول این پیشنهاد این است که اشخاصی که می خواهند و کبیل شوند فقط قصدشان نیل بمقام وزارت است بنده عرض می کنم بر فرض هم که چنین خیالی داشته باشند ضرر بجائی نیست و البته بعد از و کالت وزارت هم می توان نمود چنانچه الحمد لله دونه از آقایان و کلا هم در این کابینه وزیر شده اند در صورتی که بنده می بینم اشخاصی هم که مقام ریاست وزرائی را دارند یا وزارت دارند مایلند و کبیل شوند پس معلوم می شود آقایانی که برای احراز مقام و کالت تحریکات می کنند مقصودشان داخل شدن در خدمت ملی است و مخصوصاً از خدمت دولت صرف نظر می کنند برای اینکه بخدمات ملی اشتغال جویند چنانچه مادیده ایم خیلی از آقایان که همه قسم اسباب وزارت و ریاست وزراء برایشان فراهم بوده پرو- یا کاندیدا کرده اند تا و کبیل شوند فقط برای اینکه مدتی هم برای ملت خدماتی نمایند

رئیس - آقای نصرت الدوله موافقت

نصرت الدوله - بلی

رئیس - بفرمائید

نصرت الدوله - بمقیده بنده در

اظهارات مخالفت یا موافقت با يك طرح همیشه بایستی دو نظریه را دارا بود یکی

قسمت اصولی آن امر دیگری قسمت عملی و مقتضیات فعلی و مملکتی اگر نقطه نظر قسمت اصولی تنها بود البته بنده هم با این قانون مخالف بودم زیرا اساساً حکومت شوروی در جاهائیکه بتجربه رسیده و عمل کرده اند نه تنها این است که و کبیل از وزارت محروم نیست بلکه وقتی هم که وزیر است باید مقام و کالت او محفوظ باشد در صورتیکه از وزارت مستعفی شد دو مرتبه در کرسی و کالت خود قرار میگیرد پس از نقطه نظر اصولی این رویه با اساس حکومت شوروی مناسب تر است ولی موافقت بنده با این لایحه برای این است کلیتاً قوانین که در يك مملکت وضع میشود باید برای اصلاحات آن مملکت باشد و وضع قانون اگر صرف از روی تقلید باشد باعث زحمتهای و در دسر هائی میشود البته در يك مملکتی که عمر مشروطیت شان و تجارتشان از ما بیشتر است تصور میکنم آن رویه اول بهتر است و همان طور که عرض کردم در اغلب ممالك و اینکه عرض میکنم اغلب برای این است که خیال میکنم شاید جائی باشد که بنده اطلاع نداشته باشم و بالاخره از آنجا هائیکه بنده خبر دارم و کبیل وقتی وزیر میشود در و کالت خود باقی میماند و جمع بین و کالت و وزارت مانعی ندارد ولی در قانون اساسی ما این رویه را اتخاذ نکرده اند چرا؟ برای اینکه در وضع قانون اساسی قدمی بسمت مقتضیات مملکت و اصلاحات روزانه برداشته اند حالا پیشنهاد کنندگان این لایحه بنا بتجرباتی که در این چند دوره کرده اند میخواهند این قدم را تکمیل نمایند و خیال میکنند در صورتی که منوعیتی هم برای قبول وزارت و کبیل اتخاذ کنند بیک ملاحظاتی بهتر خواهد بود بعضی آقایان موافقین در اطراف موافقت خودشان بعضی اظهاراتی نمودند منجمه یکی یکی از مطالب که باید مورد توجه آقایان بشود دلیلی بود که آقای حاج میرزا مرتضی بیان نمودند و آن مخارج گزافی است که این ترتیب برای مملکت فراهم می کند و مدتی طول می کشد تا يك و کبیل انتخاب شود و بالاخره زحمت برای مردم فراهم می شود

خوب است توجه بفرمائید چند مرتبه باید مردم را جمع کرد و از کارشان بازداشت و از آنها خواست که در سلطنت مملکت شرکت نمایند؟

بلی این کار باید در هر دوره یک دفعه بشود تا هم اسباب زحمت برای آنها فراهم نشود و هم مخارجی تحمیل دولت نگردد بعلاوه بواسطه نبودن وسایل مسافرت مدتهای خیلی طولانی صرف اینکار میشود چنانچه ملاحظه می فرمائید یکسال است مجلس مفتوح شده و با این حال جاهائی هستند که هنوز و کلاشان معین نشده و جاهائی هم هستند که هنوز بجای نماینده که

از مجلس خارج شده است و گیل انتخاب نکرده اند.

و بایستی مدت ها صبر نمود تا حاضر شوند بنابراین بدلیلی که گفته شد اساساً مطابق مقتضیات فعلی مملکت بنده با این لایحه موافقت نمی نمایم و ابداً مخالفت هم با اصل سی و دوم قانون اساسی ندارد و چون مخالفین برای اظهار مخالفت خودشان اصل سی و دوم را نخواندند بنده که موافقم و نمی خواهم مسئله بسکوت بکنند لهذا ماده را می خوانم.

اصل سی و دوم این است چنانچه یکی از وکلاء در ادارات دولتی موظفاً مستخدم بشود از عضویت مجلس مستفصل می شود و مجدداً عضویت او در مجلس موقوف باستعفای از شغل دولتی و انتخاب از طرف ملت خواهد بود.

بنابر این اصل سی و دوم برای این وضع شده که اگر وکیل وزیر شد باید در کرسی وکالت باقی نماند قانونی هم قیل از قانون اساسی نداشته ایم که وکیل را از وزارت یا کار دیگری ممنوع کند تا بتوانیم بگوئیم از آن رو این اصل نوشته شده و این ماده آن ممنوعیت را بر طرف می کند و الزامی هم برای مقنین ولو مقنین هادی که مجلس شورای ملی است نیست که نتواند این قدم را تکمیل کند و اگر صلاح بداند می تواند یک ممنوعیت ایجاد نماید بالاخره بنده چون یحیی از موافقین این پیشنهاد هستم مجبورم قبل از اینکه از این کرسی نطق یابم بیایم عرض کنم آن ملاحظاتی را که بعضی از آقایان موافقین ذکر کردند که ممکن است در صورت عدم تصویب این لایحه اسباب زحمت از طرف وکلاء ایجاد شود بنده هم با آن اظهارات شریک هستم و با این قانون اظهار موافقت می نمایم.

رئیس - چون آقایان وزراء برای معرفی حاضر شده اند اگر آقایان مقتضی می دانند بقیه مذاکرات را موکول به بعد از معرفی نمایم.

قوام السلطنه رئیس الوزراء - هیئت دولت را به ترتیبی که تشکیل داده ام بمقام محترم مجلس شورای ملی معرفی می نمایم - آقای سردارسیه

وزیر جنگ - آقای حاج محترم السلطنه وزیر علوم - آقای فهیم الملك وزیر مالیه آقای وحید الملك وزیر است و تلگراف آقای مستشار السلطنه وزیر عدلیه آقای عبدالسلطنه وزیر فوائد عامه و وزیر داخله را هم بعد معرفی خواهم کرد و خود بنده فعلاً متصدی وزارت خارجه هستم (در این موقع در کرسی نطق حاضر شده و اعلامیه ذیل را قرائت نمودند)

دراین موقع که بر حسب تمایل مجلس شورای ملی و اتمام آقایان نمایندگان

محترم از طرف اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مأمور تشکیل دولت شده ام زاید نمی دانم خاطر آقایان نمایندگان محترم را متذکر نمایم که موفقیت در رفع مشکلات و اجرای اصلاحات فقط در صورتی مقصور است که موافقت کامل پیش مجلس و دولت موجود باشد خوشبختانه پس از اعتمادی که باین موافقت و معاضدت صمیمانه حاصل نموده ام باردیگر برای قبول مسئولیت حاضر شده و امیدوارم با یقاعاین موافقت بتوانم بوظایف مسئولیت عمل نمایم.

آقایان نمایندگان محترم مستحضار هستند که پروگرامی را در کابینه سابق خود بمجلس مقدس پیشنهاد کرده بودم مورد تصویب و تصدیق مجلس واقع شد و کابینه سابق نیز با موافقت مجلس همان پروگرام را تعقیب نمود چون در دو کابینه سابق بحران های متوالی مانع از اجرای تمام مواد آن گردید و عملیاتی را که نسبت به بعضی از مواد آن شروع شده بود ناقص و ناتمام ماند لهذا دولت حاضر در نظر دارد همان پروگرام را که در دو نوبت بتصویب مجلس رسیده است تعقیب و تکمیل نماید و پیش از پیش ساعی خواهد بود که روابط حسنه را با کلیه دول متحابه محفوظ و برقرار دارد و قبل از هر اقدام بوسیله قوای نیرومند نظام که برای استقرار نظم و امنیت کاملاً قادر است آسایش عموم را در تمام مملکت بعون الله تأمین خواهد نمود و در اسرع اوقات برای اصلاح ادارات مخصوصاً وزارت مالیه متخصصینی را که اقدام در استخدام آنها نموده بودم و دولت سابق نیز اقدامات سابق را تعقیب کرده بود هر چه زودتر لایحه استخدام آن بمجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد شد بعلاوه چون اصلاح امور اقتصادی و حتی الامکان تعدیل موازنه صادرات و واردات مملکتی و هم چنین تهیه وسایل کار برای اشخاص بیکار از اهم مقاصد است دولت حاضر در نظر دارد از بدو شروع بکار شهییه موجبات آن اقدام نماید و نیز تسویه کار نفت شمال که یکی از وسایل بهبودی اقتصادی است در اولین قدم بموافقت مجلس شورای ملی شروع خواهد شد ضمناً خاطر آقایان نمایندگان محترم را متذکر می آمزم که چون عده از جراید متأسفانه از نبودن قانون هیئت منصفه سوء استفاده نموده و رویه اتخاذ کرده اند که بالنتیجه موجب هرج و مرج و تزلزل امنیت است لهذا از برای جلوگیری از تکرار این وضعیات انتظار دارم هر چه زود تر قانون هیئت منصفه بتصویب مجلس شورای ملی رسیده وسایل معاکمه مطبوعات مطابق قانون فراهم گردد و در خاتمه از خداوند مسئلت می کنم با معاونت مجلس شورای ملی و موافقت صمیمانه که از آقایان نمایندگان

محترم احساس نموده ام با اجرای تمام مراد پروگرامی که از تصویب مجلس گذشته است موفقیت حاصل نمایم
رئیس - آقای سردار منظم (اجازه)

سردار منظم - خدمات قابل تقدیر آقای سردارسیه وزیر جنگ در این مدت تصدی ایشان در مرکز و اطراف مملکت آشکار و اظهر من شمس است و شرح آن را لازم نمیدانم البته ملت تعجب ایران خدمات آقای وزیر جنگ را با قلم برجسته در صفحات تاریخ این مملکت ثبت خواهند نمود مخصوصاً در بهران اخیر جلوگیری ایشان از بعضی بی نظمی ها و اغتشاشات فراموش شدنی نیست من جمله یکی از مهم ترین اقداماتشان دستگیری و توقیف محمد حسن خان ظفر نظام است که زمامداران سابق این موضوع را بمسامحه قائل شده بودند و اگر اجازه فرمایند مختصری از رفتار ظالمانه ظفر نظام را عرض می کنم.

رئیس - از موضوع خارج است
سردار منظم - در آن موضوع داخل نمیشوم همینقدر عرض می کنم که کلیه اهالی و رعایا و زارعین بلو کات قزوین از آقای سردارسیه وزیر جنگ تمنی می کنند حالا که این اقدام را برای آسایش رعایا و زارعین قزوین فرموده اند بدوسیبه اعدال او در وزارت داخله است و بعراض عارضین رسیدگی نموده و بعضی انحریفات و دسیسه ها توجه فرمایند و بعد از اینکه معلوم شد عارضین در اظهار شکایت محقند رعایای قزوین مجازات او را از آقای وزیر جنگ خواستارند

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - آقای رئیس الوزراء با اشاره ببر گرام سابق خودشان فرمودند و اظهار داشتند که در این دوره زمامداری هم می خواهم کرد موادی که در آن پروگرام نوشته شده است بموقع اجراء گذارده شود و در خطابه جدید خودشان زائد بر مواردی که گاه که در آن پروگرام اولیه قید شده بود يك موضوعات اساسی دیگری بشود فقط يك قسمت نفت شمال بود و آنهم داخل همان ماده سوم پروگرام است که میگوید اصلاحات اقتصادی بوسیله دایر نمودن منابع ثروت مملکت و ایجاد و تکمیل وسایل ارتباطیه حالا بنده کار ندارم که این مواد در دوره زمامداری سابق ایشان چرا بموقع اجراء گذارده نشد و اشکالات راجع بآن چه بود ولی حالا مخالفت بنده با این پروگرام از حیث نقایص آن است و بعقیده بنده در آن يك مطالب اصولی و اساسی که امروز برای این مملکت فوق العاده لازم است قید نشده در موقعی که این پروگرام چندین جلسه در مجلس مطرح بود بنده بطور اجمال اشاره به نقایص آن نمودم و آقای رئیس الوزراء

هم شفاهاً وعده فرمودند که آن موضوعات تعقیب خواهد شد ولی در این پروگرام امروزی اشاره به آن موضوعات نشده است این است که بنده آن مواد اساسی را که برای مملکت لازم میدانم و شدت احتیاج مملکت را برای آنها قائلم بطوری که هر روز که اجرای آن بتأمین افتد مضارش فوق العاده بین و آشکار خواهد بود بعرض آقایان میرسانم.

اول آن مواد تأسیس انجمن های ایالتی و ولایتی است اگر مملکت مشروطه است (البته که مشروطه است) پس چرا باید شبیه به شیر بی دم و بی سر بی اشکم باشد حکومت ملی و حکومت مشروطه لوازم دارد و اگر آن لوازم موجود نباشد مشروطیت و حکومت ملی ناقص است و وسایل اولیه برای تعقیب حکومت ملی انجمن ایالتی و ولایتی و بلدی است از آنجا حکومت ملی شروع می شود مردم راجع بحقوق و وظایف و اوضاع معملی خودشان مطابق قانونی که از مجلس گذشته بحث نموده و رفع نقایص خودشان را بشمایند در نتیجه انجمن های ایالتی و ولایتی و بلدی مجلس شورای ملی که مرکز نقل افکار است ایجاد میشود اگر چنانچه این انجمن ها باشند البته تصدیق خواهند فرمود که دسایس در انتخابات نشده و اگر بشود خیلی جزئی خواهد بود و نخواهند توانست انواع و اقسام انحریفات بکنند برای اینکه انتخاب شوند اختلافاتی که از حیث عادات و اخلاق و حالت روحیه در ملت ایران حکم فرما است و تصدیق هم می فرمایند که از حیث زبان و عادات چه قدر اختلاف دارند طبیعی است که در اسرع اوقات لزوم تأسیس انجمن های ایالتی و ولایتی را ایجاد میکنند اگر انجمن های ایالتی و ولایتی بود دیگر لازم نبود قانونی که در مجلس مطرح میشود این همه بحث شود برای اینکه اطلاعات معملی از طرف انجمن های ایالتی و ولایتی داده میشد و قوانین سریعاً از مجلس می گذشت بعلاوه این يك حق مشروعی است که قانون اساسی بملت ایران داده است

بنده میخواهم بدانم ملت تأخیر اجرای آن چیست؟ چرا این حق بملت نمیرسد؟ حالا بدون اینکه وارد علل و خصوصیات آن شوم وبدون اینکه بگوئیم مقصود از تعویق تأسیس این مؤسسات ملی چیست عرض می کنم خوب بود این قسمت را آقای رئیس الوزراء در جزو پروگرام اساسی خود قید نموده و بعلاوه بموقع عمل می گذاشتند از انجمن های ایالتی و ولایتی که بگذریم انجمن بلدی است در کجای دنیا که دارای حکومت مشروطه و ملی است دیده شده است که برای مخارج بلدی از مردم مالیات بگیرند لیکن بلدی آنها مطابق اصول قانون نباشد در تمام ایران يك بلدی قانونی نیست.

محمد هاشم میرزا - غیر از

مشهد .
قدین - بسیار خوب مشهد دارد ولی بنده طهران و سایر جاهای دیگر را عرض می کنم علت اینکه انجمن بلدی مطابق قانون تشکیل نمیشود چیست ؟

ماده (۷) پر گرام سابق می گوید تجدید نظر در قانون بلدیة البته تجدید نظر در قانون بلدیة بایستی از طرف دولت وقت شده و لایحه آن تقدیم مجلس شود بنده نظر ندارم که از طرف دولت وقت در این قسمت تجدید نظری شده باشد

از طرف نمایندگان - الان مشغول تجدید نظر در آن هستند

قدین - بنده هم میدانم لیکن چون از طرف دولت اقدامی نشده آقایان تذکر میدهم که در همین مجلس از طرف آقایان پیشنهاد شد تجدید نظر در قانون انجمن

ایالتی و ولایتی بشود آقای طباطبائی هم اضافه کردند که در قانون بلدی هم تجدید نظر بشود و آن پیشنهاد بکمیسیون داخله رجوع شد حالا از کمیسیون چرا مراجعت نکرده بنده نمیدانم این طبعی است که در این قضایا نظریات دولت شرط است عقیده بنده در این موقع که تشنجات فکری در این مملکت موجود است یکی از بهترین وسایل برای اینکه مردم بوظایف قانونی خودشان رفتار کنند بمقیده بنده این است که انجمن های ایالتی و ولایتی و بلدی تأسیس شود و این حق مشروع بآنها داده شود دیگر از فقرات اساسی که می بایستی در پر گرام ذکر شده باشد قانون مجازات است .

بنده نمی توانم تصور و تصدیق کنم که مملکت که قانونی است قانون مجازات برای متخلفین آن قانون نداشته باشد بنده علناً عرض می کنم اگر چنانچه دولت در نظر بگیرد قانون مجازات ولو قانون موجود جزای عرفی باشد بموقع اجرا گذارد گفته شد قانون جزای عرفی مخالف دیانت است .

قدین - بنده از نقطه نظر شریعت حرف نمی زنم. از نقطه نظر مصالح مملکت عرض می کنم و قانون جزای عرفی را هم موافقم .

آقا سید فاضل - ملت اسلام بالاین قانون مخالف است

قدین - بنده عرض نکردم که حتماً

قانون جزای عرفی را بیاورند شما يك قانون جزائی در مملکت ایجاد کنند بنده نخواستم مخالف شرع حرف بزنم که همه حمله کردید بمقیده بنده در مملکت قانون مجازات لازم است حالا اگر قانون وضع کردیم اجرا خواهد شد یا خیر موضوع دیگری است . علی ای حال از این موضوعات میگذریم و راجع بمعارف قدری صحبت

می کنیم بنده برخلاف گفته یکی از رفق که سابق می گفت بعضی ها هستند که می خواهند نمکی بزخم معارف بپاشند می خواهم اگر بتوانم مرحمی بزخم معارف بزنم در ماده پنج پر گرام سابق می گوید توسعه و تکمیل معارف اساس ملیت و توسعه و بقای هر مؤسسه چند چیز است که عبارتند از علم و عمل و پول. در صورتی که این سه فقره در مؤسسه جمع شود آن مؤسسه توسعه پیدا کرده تکمیل خواهد شد اگر چنانچه ما چندین هزار مدرسه در این مملکت تأسیس کنیم ولی حقوق متصدیان آن مدارس را تأمین نکنیم هیچ فایده و نتیجه از آنها متصور نخواهد بود.

بمقیده بنده باین ماده پنج هم هیچ ترتیب اثری داده نشده زیرا اگر اثری داشت چندین ماه حقوق معلمین مرکز و ولایات عقب نمی افتاد

بمقیده بنده این است که مخارج معارف کلیه مملکت ایران را باید تأمین کرد اختصاص بمركز هم نمیدهم يك دوازدهم مخارج سالیانه معارف در مملکت شاید پنجاه هزار تومان در هر ماه بالغ بشود و اگر دولت این مبلغ را از يك معنی تأمین نمود میتوان بآبیه خوش همین معارف موجود امیدوار بود و اگر چنانچه تأمین نکرد تصور می کنم همین مدارس موجود هم بالطحیه مختل خواهد شد در پر گرام می نویسد تخصیص عایدات بلدیة محل بمعارف همان محل. بنده نمی دانم علت اینکه عایدات بلدیة طهران که در ماده يك مقدار معتدیه هست چرا يك قسمت آن بمعارف تهران تخصیص داده نشده و هم چنین سایر مراکز و شهرها .

بنده در اصول اساس دیگر وارد نمی شوم . فقط راجع بهمین اصولی که عرض کردم چون نه در پر گرام سابق و نه در پر گرام و خطابه که امروز انشاء کردند مندرج بود لودا بنده لازم دانستم تصدیق خاطر آقایان را فراهم نمایم باین جهت با این پر گرام مخالفم

رئیس - آقای زنجانی (اجازه)

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - بنده مطلبی که میخواستم عرض کنم راجع بآقای وزیر جنگ و اقدام ایشان بود که یکی از اشرار را که سالها در خدمه مشغول شراعت بود دستگیر و بطهران جلب کرده اند تقاضا می کنم طهران را مطهر قرار دهند (زیرا رسم اینطور است که طهران از مطهرات واقع شده) و او را دوباره روانه زنجان نفرمایند

آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده چون کمال موافقت را با این پر گرام دارم رئیس الوزرا عزیز گرام نیست

آقا سید یعقوب - در هر صورت خاطر آقایان را متذکر میدارم که قانون انجمن های ایالتی و ولایتی در کمیسیون وزارت داخله مطرح مذاکره است و شاید عنقریب راپورتش بمجلس بیاید این که آقای زنجانی و آقای سردارمفتح تحسین از عملیات وزارت جنگ می کنند بنده عرض می کنم در امنیت مملکت هیئت دولت تمام شریک هستند نه اینکه اختصاص به يك عضو دولت داشته باشد . آقای قوام السلطنه باتفاق شصت و پنج رأی محل اعتماد مجلس شورای ملی واقع شده اند و ایشان با کلیه وزراء مسئولیت مشترک دارند و ما نباید شخص مخصوصی را طرف توجه و مسئول قرار دهیم و چون مسئولیت مشترک دارند باید مسئولیت را از تمام آنها خواست

رئیس - راجع باین علامه که آقای رئیس الوزرا قرائت نمودند و پر گرامی که سابق پیشنهاد شده آیا مجلس میخواهد امروز مذاکره شده و رأی داده شود یا در جلسه دیگر

رئیس الوزرا - بنده باید توضیح بدهم این که امروز قرائت نمودم يك اعلامیه بود پر گرام دولت همان پر گرام سابق است که آقای مشیرالدوله هم تعقیب نموده و دو دفعه در مجلس تصویب شده و راجع بمطالبی هم که آقای تدین اظهار نمودند سایر آقایان جواب ایشان را خواهند داد

(هیئت وزراء از مجلس خارج شدند)
رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده اولاً عرضم راجع بوزیر معارف بود و میخواستم از ایشان يك استدعائی بکنم که يك مسجدی بود

رئیس - راجع بوزراء نیست راجع بقانون است

حاج میرزا عبدالوهاب

بنده تصور کردم در آن باب مذاکره می شود پس از این مسئله میگذریم این که شاهزاده محمد هاشم میرزا فرمودند تقصیر و کلا چیست که باید مورد اعتراض واقع شوند جواباً عرض می کنم که تقصیر نکردن آنها وارد نمی کند و این پیشنهاد از دو نقطه نظر شده است یکی آنکه هیئت دولت يك هیئت قائم و دائمی باشد و اقلایک مدتی سر کار باشند و اگر این قانون از مجلس بگذرد از مجلس خیلی کاندید بیرون نیاید و اسباب تأخیر تشکیل کابینه شود و دیگر اینکه اسباب خرج برای دولت می شود و هر روز دولت مجبور است تجدید انتخاب نماید و در ولایات اسباب انقلاب می شود و اشخاصی که این پیشنهاد را داده اند از این نقطه نظر است که انقلاب در ولایات کمتر شده و مخارج دولت هم کم می شود

و علاوه بطوریکه مکرر هم گفته شد و بنده هم می خواستم در موقع مذاکره راجع بقانون انتخابات عرض کنم که این مسئله موفع مناسب عرض می کنم که این مسئله برای جلوگیری از سوء انتخابات هم خیلی مفید است و وقتی این قانون از مجلس بگذرد همه کاندید کم میشود و همه کاندید که کم شد بطریق اولی دسیسه هم کم خواهد شد اما اینکه آقای آقامیرزا سید حسن فرمودند این پیشنهاد مخالف قانون اساسی است جواباً عرض می کنم همانطور که شاهزاده نصرت الدوله فرمودند اصل سی و دوم می گوید وکیل اگر وزیر شد دیگر نمی تواند وکالت کند و اگر هم از وزارت استعفا بدهد نباید بیاید سر مسند وکالت مگر اینکه دومرتبه از طرف ملت انتخاب شود و این مسئله ربطی باین پیشنهاد ندارد که در مدت وکالت وزیر بشود یا نشود و در این موضوع قانون ساکت است و اما راجع بفرمایش آقای اقبال السلطان که فرمودند در دوجا مستخدم باشد بنده عرض می کنم کسی چنین پیشنهادی نکرده است که در دوجا مستخدم باشد

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)
حاج شیخ اسدالله - بنده موافقم هستم .

رئیس - اگر آقایان موافقت چند دقیقه تنفس داده شود در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید

رئیس - حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بنده اگر چه این پیشنهاد را امضاء نکرده ام ولی اساساً باین پیشنهاد موافقم زیرا بعد از دقت زیاد در این پیشنهاد و ملاحظه اطراف کار بنظر همچو آمد که اگر این پیشنهاد از مجلس بگذرد صلاح باشد. اگر چه ممکن است اینکه ادوار گذشته بها اینطور نشان داده که در مجلس همیشه يك اشخاصی منورالفکر لایق و قابلی بوزارت انتخاب می شوند باز هم ضرورت همان اقتضار داشته باشد زیرا گاهی اتفاق افتاده است که ضرورت مارا اجبار می کرده بیک نفر عضو میرز خودمان را ملزم کنیم قبول. وزارت کند و سیاست مملکت را عهده دار شود برای اینکه همه آقایان خوب می دانند در این مملکت رجال میرز باندازه کافی نیست . بعضی اوقات به حس مشاهده کرده ایم زمامداری این مملکت منحصر بینده است بیک نفر که آنهم در مجلس بوده است که با اتفاق تصویب میگردیم زمامدار باشد و این مطلب است که نمایندگان

را بعدم قبول این پیشنهاد ملزم می کنند ولی آن طرف دیگر وجود این اشخاص لایق در مجلس هم خیلی لازم است و گمان می کنم در مجلس از آنها بیشتر میشود استفاده کرد. بنده نظری که آقایان امضاء کنندگان فرمودند ندارم زیرا آن نظریات در موقع خودش قابل تنقید و رد است و بنده داخل آنها نمی شوم و نتیجه را موافقم ولی با مقدماتی که آقایان فرمودند مخالفم این است که عرض می کنم آقایانی که بسمیت نمایندگی انتخاب می شوند باید تصمیم کنند که دو سال در مجلس باقی باشند و در مجلس بمانند زیرا در این دو سال مطالبی که در مجلس در جریان می افتد و قوانینی که در کمیسیون ها مطرح می شود البته اشخاصی که از ابتداء کار در مجلس بوده اند بهتر می توانند قوانین را تدوین کرده و دقت نظر کنند تا اینکه انتخابات تجدید شود و اشخاص دیگری بیایند اگر چه تجدید انتخابات هم ممکن است ولی مشکل است و برای دولت پرخرج می شود مثلاً یکسال است از دوره مجلس گذشته است هنوز دولت موفق نشده است انتخابات ولایات را خاتمه دهد نه اینست که نخواسته اند بلکه وسایل فراهم نبوده و مشکلات و موانع بوده است و اگر همه روزه آقایان بدین منوال از مجلس خارج شوند این اشکالات فراهم می شود و به علاوه انتقاهی را که ممکن است در مجلس از وجود آنها حاصل کنیم نمیتوانیم و نتیجه از دست می رود بنابراین معتقدم آقایانیکه لیاقت دارند در مجلس بهتر میتوانند خدمت کنند و عقیده دارم اگر آقای مشیرالدوله در مجلس تشریف داشتند ما در مجلس بهتر می توانستیم از ایشان استفاده کنیم تا اینکه چهار روز در مجلس باشند و چهار روز در خارج این است که باید ما این مطالب را در نظر بگیریم و این قانون را از مجلس بگذرانیم برای اینکه هر چه در مجلس اشخاص با فکر و با علم باشد بهتر است و هر دولتی که باشد اموراتش را بچریان می اندازند و آنفع از آن است که هر روز انتخاب تجدید شود و اشخاص لایق گاهی در مجلس باشند گاهی در خارج این است که بنده معتقدم این قانون از مجلس بگذرد و اشخاصی که انتخاب میشوند تصمیم بگیرند که در سال در این مجلس بمانند و خدمت به مملکت بکنند

رئیس - جمعی از آقایان تقاضا کرده اند این مسئله از دستور امشب خارج شود و بماند برای روز روز سه شنبه آقایان موافقت

محمد هاشم میرزا - بنده مخالفم برای اینکه مطلب طرح شده و در آن مذاکره شده و فعلاً موقع نتیجه گرفتن و قابل توجه شدن یادداشتن است و اگر بماند برای

جلسه بعدم مجدداً آقایان از نو شروع بندا کرده خواهند نمود

رئیس - چون جمعی از آقایان اجازه خواسته اند وقت هم گذشته است اگر مایل باشند بماند برای روز سه شنبه و اگر هم مایلید در این باب مذاکره شود مذاکرات ادامه خواهیم داد. آقای آصف الملک اجازه

آصف الملک - چون این لایحه جزو دستور نبوده امشب بر حسب لزوم جزو دستور شد باین جهت سابقه ذهنی برای آقایان بشود که در این باب اظهار عقیده بکنند لهذا پیشنهاد کردیم جزو دستور جلسه آتی بشود که از روی فکر و یک تعمقی صحبت شود (جمعی تصدیق کردند)

رئیس - یک راپورتی هم از شعبه ششم رسیده است راجع بنمایندگی آقای مصباح دیوان از سیستان قرائت می شود آقای ملک الشعراء احضار و راپورت مزبور را بشرح ذیل قرائت نمودند شعبه شش در ساعت شش بعد از ظهر روز (۲۱) شوال بریاست شاهزاده سلیمان میرزا تشکیل و بدوسیه انتخاب سیستانی رسیدگی بعمل آورد انتخابات باردوم سیستان که پس از هردو وکیل سابق بامردولت شروع شده بود از تاریخ ۱۲ دلو تا آخر دلو در جریان و کلیه ۱۹۳۴ تعرفه تقسیم ۱۹۲۶ رای ماخوذ و از کلیه آراء ماخوذه آقای مصباح دیوان با اکثریت ۱۸۳۰ رای به وکالت مجلس شورای ملی انتخاب و در صورت مجلس و شکایات واصله نیز چیزی که بسوء جریان انتخابات مزبوره اشاره نماید موجود نبوده و شعبه شش انتخابات آقای مصباح دیوان را صحیح دانسته و با اتفاق بصحبت وکالت ایشان رای داد

رئیس - نسبت باین راپورت مخالفی هست (اظهار مخالفتی نشد)

رئیس - اعتراضی نیست رای می گیریم بنمایندگی آقای مصباح دیوان از سیستانی آقایانی که نمایندگی ایشان را تصویب می کنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد در جلسه آتی کسری کمیسیون ها را بهتر این است که انتخاب کنند عرض می کنم یادداشت فرمایند

ملک الشعراء - بنده اجازه خواسته ام و عرض مختصری دارم

رئیس - راجع باین مطلب است ملک الشعراء - خیر عرض مختصری است راجع بدستور نیست رئیس صورت کسری کمیسیون ها قرائت بشود

بعد بفرمایند

کمیسیون خارجه (۳) نفر کمیسیون معارف یک نفر

کمیسیون نظام یک نفر

کمیسیون قوانین مالیه سه نفر کمیسیون پست و تلگراف و فواید عامه دو نفر - کمیسیون عدلیه دو نفر - کمیسیون داخله ۳ نفر - کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات دو نفر - آقای سهام السلطان اجازه

سهام السلطان - کمیسیون راجع بمطالعه قانون استخدام هم کسر اعضاء دارد

رئیس - میخواستم عرض کنم شعبه پنج و شش هم باید تشکیل شود یک نفر بجای آقای فہیم الملک و یک نفر بجای آقای وحید الملک انتخاب نمایند آقای ملک الشعراء (اجازه)

ملک الشعراء - در جلسه قبل از ظهر در ضمن مذاکرات راجع بقانون مالیات کثیرا از قول یکی از نمایندگان آقای ارباب کیخسرو فرموده بودند که نماینده در جلسات سابق در موضوع مذاکره قالی گفته بوده است که من به صنعت معتقدم ولی بتجارت اهمیت نمیدهم و بنده در آن موقع داخل در مجلس نبودم و گویا در اطراف این تغییر یک حرارت هائی هم شده بوده است بعد از ختم جلسه بنده از خارج از مجلس خدمت ایشان رسیدم و گفتم شاد این باب نیستی یکی از نمایندگان داده اید ایشان تصدیق فرمودند و گفتند بلی بعد پرسیدم آن نماینده که این اظهار را کرده بود که بود

جواب دادند شما اظهار کردید بنده هم ناچار شدم بطور مختصر خاطر آقای ارباب را مطلع کرده و از ایشان استدعا کنم بصورت جلسات مراجعه کنند اگر چه تمام جراید نطق مرا نوشته و منتشر شده است وقتی دیدند و مطمئن شدند که بنده این اظهار را نکرده ام خودشان در جلسات آتی تکذیب بفرمایند

اگر خاطر آقایان باشد بنده در موضوع قالی عرض کردم مسئله مربوط بتجارت نیست مربوط به صنعت است که باید از نقطه نظر صنعت اهمیت بدهم ولی تجارت حال یک آبی را دارد که هر چه او را مجبوس کنند و در تحت فشار بگذارند راه خودش را باز می کند ما باید صنعت را حمایت و حفظ کنیم نه آن روز و نه روز دیگر عقیده من و هیچ يك از آقایان این نبوده و نیست که تجارت اهمیت ندارد اگر بنده هم يك چنین کلمه که این مفهوم را می داشت می گفتم شما باید تعبیر با حسن بکنید چون معنی ندارد که يك نفر بگوید به تجارت اهمیت نمی دهم و به صنعت اهمیت می دهم و این مسئله نه اساساً و نه عملاً دارای يك معنای حقیقی است و نه اجماعاً دارای فلسفه حیاتی است خوب بود دقت می فرمودند و بعد از روی اطمینان اظهار حرارت می کردند

بنده نمی گویم تهمت یا سوء تفاهم بوده خبر بلکه سوء تفاهم بوده و لازم بود در این مورد دقیق می شدند حالا هم بنده شما را يك نفر نماینده بی غرض می دانم و یقین دارم که نسبت بر هیچ نماینده نظریدی یا تعمدی نداشته و ندارید از خود چنانعالی خواست می کنم همین امشب یا فردا بصورت نطق بنده مراجعه بفرمایید بعد اگر قانع شدید که بنده يك چنین مسئله بی معنی را نگفته ام خودتان در جلسه آتی تکذیب بفرمایند

حالا هم عرض می کنم بنده بمسئله يك قالی از نقطه نظر صنعت اهمیت می دهم و از موضوع تجارت متفك میدانم و در موقع خودش عرض خواهم کرد و در این حال تجارت را هم یكی از ارکان حیات ملی می دانم و هیچوقت حاضر نیستم نسبت اهمیت ندادن تجارت به بنده یا بدیگران داده شود

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - بنده خیلی بیشتر ممنوع و خوشحال میشدم که بنده بد شنیده باشم تا اینکه يك چنین مسئله در اینجا اظهار شده یا شد بنده اینطور تصور کردم که در این فضا يك همچو مطلبی گفته شده در خارج مجلس هم آقای ملک الشعراء فرمودند و بنده عرض کردم خودم مراجعه بصورت مجلس می کنم و اگر معین شد همچو چیزی گفته نشده مذرت می خواهم و بطوری که عرض کردم امیدوارم بنده بد شنیده باشم و در همچو فضائی چنین مطلبی گفته نشده باشد

رئیس - جلسه آتی روز سه شنبه چهار ساعت قبل از ظهر دستور بقیه طرح قانونی که امروز مطرح بود

ثانیاً - لایحه راجع بطواحين آقای آصف الملک

(اجازه) آصف الملک - آقای تدین در ضمن اظهاراتشان فرمودند قانون انجمن های بلدی بکمیسیون داخله آمده و بواسطه تغییر کمیسیون و تغییر اعضاء و پیش آمدن ماه رمضان یک قدری بتأخیر افتاد ولی شور دوم اوشده است و عنقریب بمجلس خواهد آمد کمیسیون قصوری در این باب نکرده

رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه)

نصرت الدوله - بنده می خواستم بدانم صحبت هائی را که آقای تدین راجع بپیر کرام فرمودند قطع شده و دنیا له ندارد باین که باید در جلسه آتی تعقیب شود اگر نظر آقایان این طور باشد که در جلسه آتی تعقیب و مذاکره شود البته هر کس نظریات خودش را اظهار می کند ولی اگر این نظریه